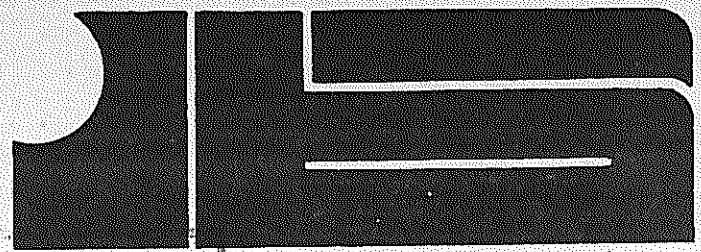


با تمام توان خود ماهیت  
ارتجاعی جنگ را افشا و بسا  
مقاومت مسلحانه خود از منافع  
زحمتکشان دفاع کنیم

کارگران و زحمتکشان  
متحد شوید



# جنگ و تشدید تضادهای درونی هیئت حاکمه

در شهریورماه امسال، زمانی که ساله  
تعیین نخست وزیر و کابینه میان آمد،  
تضادهای دوفراستون، اطمینان حاکم، لبرالها  
و حزب جمهوری اسلامی نمودی با رزبات  
بنی صدر میخواست با انتخاب نخست وزیر  
و اعضای کابینه از میان لبرالها با  
حداقل افراد غیر حزبی، نفوذ خود و

تا توانی حاکمیت کنونی در حل بحران  
اقتصادی، پس از گذشت قریب به یکسال  
ونه ماه از قیام بهمن ماه و تشدید بحران  
سیاسی، تضادهای درونی هیئت حاکمه  
را بطور دم افزونی شدت وحدت بخشیده  
است. تضاد و رقابت بین لبرالها و  
حزب جمهوری اسلامی برای کسب قدرت  
و موقعیت برتر در ارگانهای دولتی هر روز  
اشکال حادثتری بخود میگیرد.

بقیه در صفحه ۱۳

# سرمقاله بحران امپریالیسم و انتخابات آمریکا

با گذشت چهار سال از انتخابات  
پیشین آمریکا که منجر به روی کار  
آمدن کارتر شد، یکبار دیگر بازی  
"دمکراسی بورژوازی" در آمریکا تکرار  
شده و این بار بجای کارتر ریگان و  
بجای حزب دمکرات، حزب جمهوریخواه  
زمان امور را در چهار سال آینده در  
دست گرفت.

واقعیتی است انکارنا پذیر که در  
جوامع سرمایه داری یعنی در جوامع  
که اقلیتی محدود با تکاء در دست داشتن  
وسایل تولید، بر اکثریت عظیم جامعه  
حکومت می کنند، دمکراسی رنگ و لعابی  
است که از طریق آن دیکتاتور طبقه  
سرمایه دار اعمال می شود. حتی در  
"دمکراتیک" ترین کشورهای سرمایه  
داری دمکراسی مفهومی جز اعمال  
دیکتاتور طبقه حاکم ندارد. در جوامع  
سرمایه داری در نهایت امر طبقه حاکم  
این حق را برای مردم قائل می شود که  
در هر چند سال یکبار خود را انتخاب کنند  
که طبقه حاکم از طریق کدام احزاب  
نمایندگان خود را بدینا می بر مردم  
حکومت کند، و آنها را سرکوب نماید.  
در آمریکا نیز که حکومت دلار و سرمایه  
اعمال می شود وضع بر همین منوال  
است. "دمکراسی" آمریکا نیز این  
حق را برای مردم قائل شده است که  
هر چهار سال یکبار رییای صندوقهای رای  
بروند تا معین کنند که کدام یک از  
نمایندگان انحصارات و از کدام حزب  
طی چهار سال برتوده ها ستیم کند، بنام  
دمکراسی، دیکتاتور طبقه حاکم را  
اعمال نماید و منافع انحصارات  
آمریکائی را در سطح ملی و جهانی  
نمایند.

تمام عبارت بردار زبهای بی محتوای  
نظریه برداران بورژوازی و مدافعین  
سیستم سرمایه داری، بپرامتتون  
"دمکراسی" در آمریکا و "برتری" و  
"دمکرات منشی" حزب دمکرات بر  
جمهوریخواه چیزی جز قریب نوده های  
زحمتکش نیست. واقعیت اینست که  
احزاب دمکرات و جمهوریخواه هر دو  
بیکسان سرمایه را نمایندگی می کنند و  
بقیه در صفحه ۲

# "لایحه واگذاری زمین به دهقانان" هنوز در مرحله اجرا در جامی زند.

آیت الله ربانی شیرازی عضو  
شورای نگهبان حندی پس از اطلاعهای  
مطرح کرد که در شرایط کنونی برای  
خلوگیری از تشدید اختلافات دهقانان  
و مالکین زمین، لایحه واگذاری زمین  
معوی مانده. در این اطلاعیه آمده است:  
امام امت با توجه به نوعیت کنونی و  
خلوگیری از تشدید اختلاف دست  
ر موده اند که بطور موفقیت منتهی  
واگذاری زمین متوقف شود... و کسائی  
که سال قبل روی زمین کشت کرده اند

بقیه در صفحه ۸

# آیت الله خمینی، موضع فرماندهان ارتش را تقویت می کند

آیت الله خمینی در روز ۱۴ آبانماه سخنرانی مفصلی  
انجام داد که بررسی آن نکات بسیار را روشن  
می نماید. این سخنرانی که در حضور "وعظاظ"  
گویندگان و خطبای مذهبی "به سرکردگی فلسفی  
آخوند درباری و دعاگوی شاه و مبلغ فطی جمهوری  
اسلامی انجام گرفت، از آن جهت که در برگیرنده  
نظرات آیت الله خمینی در مورد جنگه  
می باشد حائز اهمیت است. رتوسرکلی این سخنرانی  
را میتوان بشکل زیر بررسی نمود:

۱- آیت الله خمینی در سخنرانی خود با نقل بخشی  
جزئی از سرکوبهای دوران ننگین پهلوی و کتمان بخش  
دیگری از این فشار و سرکوب سعی دارد اینطور قلمداد  
کند که در تمامی این دوران تنها مخالفان سرسخت  
امپریالیسم و رژیم سلطنتی، روحانیون  
بوده اند و پس آیت الله خمینی بشکلی عمدی چشم  
خود را بر روی واقعیات می بندد. بقیه در صفحه ۳

- در این شماره:
- اخبار کارگری
  - اخبار جنگ خوزستان
  - اتحاد فدائیان کارگران ارج
  - اخراج معلمان انقلابی و مبارز

# سرکوب و اختناق به بهانه مبارزه ضد امپریالیستی

صفحه ۵

تنها تسلیح نوده ها در شوراهای انقلابی تحت رهبری نیروهای انقلابی ضامن مقابله  
باهرگونه تجاوز، و برقراری صلح است

KAZEM OSTADNASABAH  
Ali Reza Amiri

### بحران امپریالیسم

بقیما از صفحه ۱

پاسدار منافع انحصارات آمریکائی هستند. قدرت واقعی در دست انحصارات امپریالیستی است و دیکتاتورهای انحصارات امپریالیستی اعمال می‌شود.

اساساً در کشورهای سرمایه‌داری، دمکراسی هیچ مفهومی جزا اعمال دیکتاتورهای طبقه حاکم ندارد، اما شیوه‌های اعمال این دیکتاتوری در هر موقعیتی بسته به شرایط مبارزه طبقاتی، موقعیت طبقه حاکم و وضعیت جهانی، متفاوت است، و تاکتیکهای گوناگونی برای اعمال این سلطه برگزیده می‌شود.

در شرایط معینی اعمال دیکتاتوری طبقه حاکم اساساً با توسل به تاکتیکهای قهر و سرکوب و در شرایط دیگر از طریق انجام فرمها، دادن امتیازات و خلاصه تاکتیک فریب و تحمیق توده‌ها اعمال می‌شود.

سرمایه‌داری جهانی مدت‌هاست که دچار گندیدگی و فساد شده و هر روز در بحرانی عظیم، ترومنجلاپی کثیف تر فرومی‌رود و ارتجاع سیاسی خصوصیت بارز آن شده است. در چنین شرایطی دیگر صحبت از دمکراسی بورژوازیسی بتمام معنی حرفی پوچ است.

بنابراین در آمریکا نیز آنچه که اعمال می‌شود، همانا دیکتاتوری سرمایه‌داری انحصاریست. بورژوازی انحصاری آمریکا بخاطر حفظ سلطه خود در آمریکا و در کشورهای تحت سلطه، از تمامی وسائل موجودا عمل زور و فشار قهر و سرکوب استفاده می‌کند، تا سلطه ستمگرانه و غارتگرانه خود را اعمال کند. اما در همان حال برای فریب توده‌ها و تحمیق آنها هنگامی که تاکتیک قهر و سرکوب به تنهایی کار آئی ندارد.

به تاکتیک فریب و فریب متوسل میشود و رسالت اجرای این تاکتیک را به آن نمایندگان خود واگذار می‌کند که در اجرای آن خیره‌ترند، از همین رویت که هنگامیکه امپریالیسم آمریکا در یک بحران اقتصادی و سیاسی فرو رفته است و شکستهای پی در پی آن در سطح جهانی بی‌ثمر بودن تاکتیکهای گنه آنرا با ثبات میرساند، کار ترس

بنام "حقوق بشر!"، "بنام انسانیت!" بنام "دمکراسی!" و حل بحران اقتصادی با تاکتیکهای جدید قدم به میدان می‌گذارد تا با توسل به فریب و فریب توده‌های آمریکا و خلقهای تحت ستم سراسر جهان، چهار رسال دیگر حکومت سرمایه‌داران جهانی را تداوم بخشد. اما بحران اقتصادی سیاسی امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا ظرف ترازان بود که ایمن تاکتیکها قادر بحل آن باشد. کار ترس زمانی در مقام ریاست جمهوری آمریکا قرار گرفت که سراسر اردوگاه امپریالیسم در یک بحران فزاینده‌ای گرفتار

آمده بود، شکست‌های پیاپی عظیم‌ترین قدرت نظامی اردوگاه امپریالیسم در هندوچین، بویژه شکست مفتضحانه آن از خلق مهربان ویتنام، مصادم بحران درونی امپریالیسم را تشدید می‌کرد. انحطاط روز افزون اردوگاه امپریالیستی، از هم‌گسیختن اقتصاد آن، مزمن شدن بحرانهای مازاد تولید، رشد روز افزون بیکاری، گرانی، افزایش بار مالیاتها و هزینه‌های کمر شکن دیگر بردوش توده‌ها، در زمره مسائلی بود که کار ترس می‌بایست با تاکتیکهای خود بداندنها پاسخ گوید اما نه او نه هیچ‌کس دیگری قادر نبوده سیستمی را که این چنین دچار پوسیدگی و گندیدگی شده است نجات بخشد، او نمی‌توانست بر بحران اقتصادی و سیاسی اردوگاه امپریالیسم فائق آید، او نتوانست مانعی بر سر راه گسترش جنبش‌های رها ئی بخش خلقهای تحت ستم پدید آورد و از تنزل خفت بسیار امپریالیسم آمریکا در مقام سرکوب شده اردوگاه امپریالیسم جلوگیری کند. او نتوانست بحران اقتصادی امپریالیسم آمریکا، گرانی، بیکاری و هسزاران در دبی در مان جامعه سرمایه‌داری آمریکا را حل کند بنا بر این طبیعی بود که نتواند برای مدت چهار رسال دیگر در مقام ریاست جمهوری آمریکا انحصارات آمریکائی را نمایندگی کند، همانگونه که انتخاب کار ترس از حزب دمکرات و تاکتیکهای او باز نتواند بحران امپریالیسم آمریکا بود شکست او دو انتخابات اخیر نیز بازتاب تشدید این بحران است. این بار بورژوازی انحصاری آمریکا وظیفه دفاع از منافع سرمایه‌داری جهانی و حل بحران امپریالیسم را به حزب جمهوریخواه نماینده آن ریگان سپرد. تا او با توسل به شیوه‌ها و تاکتیکهای دیگری این وظیفه را با انجام برساند، ریگان با احتمال قوی با توسل به تاکتیکهای خشن تر برای نجات سرمایه‌داری جهانی اقدام خواهد کرد. اما این امر بهیچوجه دال بر آن نیست که حزب دمکرات "آزادخواه" است و حزب جمهوریخواه "سرکوبگر" هر دو این احزاب بسته به شرایط معین یکی از تاکتیکهای اعمال قهر یا فریب و فریب متوسل می‌شوند، هر دو این احزاب علیه توده‌های آمریکائی و خلقهای تحت ستم جهان به قهر عنان گسیخته و عزیزان متوسل می‌شوند، کندی "دمکرات" آغاز گریز و گشتار خلق مهربان ویتنام می‌شود، همانند جمهوریخواهان برای تامین منافع انحصارات امپریالیستی، ارتجاعی ترین رژیمها را برای سرکوب توده‌ها در کشورهای تحت سلطه و وابسته تقویت می‌کند و در زمان دیگر این وظیفه به جمهوریخواهان واگذار می‌شود. البته اینکه کدام حزب، دمکرات یا جمهوریخواه حاکم باشد نمیتواند منافع انحصارات معینی بینش از انحصارات دیگر تامین گردد، اما

این امر بهیچوجه در ماهیت سیاستهای ارتجاعی و سرکوبگرانه این احزاب تغییری پدید نمی‌آورد. هر دو این احزاب از منافع سرمایه‌داری بطور کلی و از منافع انحصارات آمریکائی و سرکردگی آنها در اردوگاه امپریالیسم بطور خاص دفاع می‌کنند.

در شرایط سلطه سرمایه‌داری انحصاری بر آمریکا هیچ رئیس جمهور نمی‌تواند، بدون تأیید حمایت و پشتیبانی انحصارات مختلف آمریکا، پلانترهای جنوبی، پنتاگون و سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) بر سر کار آید و از این رو باید دقیقاً محری سیاست های آنها باشد.

انتخاب ریگان از حزب جمهوریخواه بریاست جمهوری آمریکا که نشان دهنده ناتوانی دمکراتها و تاکتیکهای کار ترس در حل بحرانهای امپریالیسم آمریکا است، توسل به شیوه‌های خشن تر و قهر عنان گسیخته را بویژه در رابطه با خلقهای تحت ستم کشورهای تحت سلطه بدینال دارد.

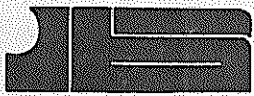
از همین دیدگاه است که ریگان در اولین مصاحبه مطبوعاتی خود شدیداً جنبش مقاومت خلق فلسطین را مورد حمله قرار میدهد و آنرا یک جنبش تروریستی میخواند. حال بگذریم از اینکه سردمدار تروریسم بین المللی خودا امپریالیسم آمریکا و بویژه در منطقه خاور میانه، ضمیمه‌نیم است نه جنبش خلق فلسطین که یک جنبش رها ئی بخش خلقی است. یک چنین برخورد خصمانه ای از جانب نماینده انحصارات امپریالیستی آمریکا، بیانگر موضع و تاکتیکهای خشن آنها در چهار رسال آینده نسبت به خلقهای تحت ستم، جنبشهای رها ئی بخش و کشورهای سوسیالیستی است. میتوان از هم اکنون پیش بینی کرد که توسل به چنین شیوه‌هایی که از شیوه‌های شناخته شده امپریالیسم است نه تنها ذره ای به نجات امپریالیسم از منجلاپی بحران اقتصادی و سیاسی ژرف شونده کمکی نخواهد کرد بلکه در آینده ما شاهد تشدید بحرانها و اوج گیری

ورشده جنبشهای رها ئی بخش و گسترش اشکال قهر آمیز آن هستیم. هر آنچه که امپریالیسم آمریکا برای سرکوب خلقهای جهان به شیوه‌های قهر آمیز و سرکوب عنان گسیخته متوسل میشود،

قهر انقلابی خلقهای تحت ستم کشورهای تحت سلطه نیرو مند ترازمی‌شود همیشه پاسخ قهر ضد انقلابی آنرا خواهد داد.

در ایران، انتخاب ریگان تغییری در موضع حکومت جمهوری اسلامی مبنی بر آزادی جاسوسان آمریکائی پدید نخواهد آورد بلکه در آینده تلاش خواهد کرد که گام های تازه ای بسوی نزدیکی با امپریالیسم بزند. اما با بعثت بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر ایران، گسترش نارضایتی توده‌ها، تضادهای درونی هیئت حاکمه و احتمالاً توسل امپریالیسم آمریکا برای حل قهر آمیز این بحران، بحران روابط جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا همچنان ادامه خواهد یافت.

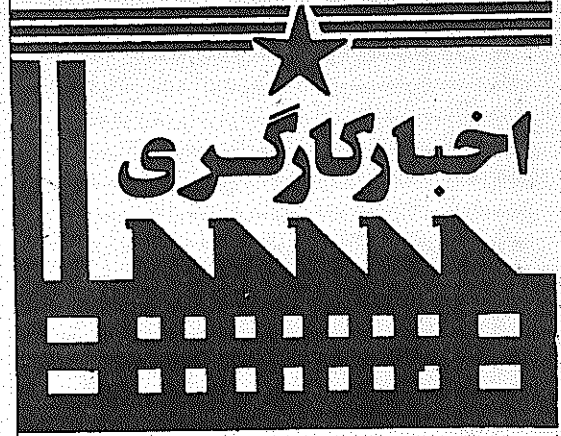
## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



# در کارخانه بوتان کارفرما را پرداخت حقوق کارگران اعزامی به جبهه خودداری کرد

جریاناتی که هر روز اتفاق می افتد همه گویای این واقعیتند که سرمایه داران از جنگ علیه زحمتکشان استفاده می کنند. از دیبا دسات کار، اضافه کاری بدون حقوق، پرداخت حق و مزایا و غیره، دیگر به شیوه های معمول و متداولی برای چپاول و غارت کارگران بدل شده است. هر چه جنگ طولانی تر می شود و قحط هم شدت می یابد سرمایه داران بطور آشکارتری دشمنی خود را با کارگران نشان می دهند. نمونه ای از این گونه سودپرستی ها، در کارخانه بوتان پیش آمد. در این کارخانه کارفرما از پرداخت

هر چه جنگ طولانی تر می شود و هر چه کارگران با مصائب جنگ را بیشتر بر دوش های خود احساس می کنند، بیشتر به این حقیقت پی می برند که جنگ، نه تنها ذره ای منافع آنها را تا مین نخواهد کرد، بلکه فشاگرانی، کمبود و فقر را برایشان بیشتر خواهد کرد. هر چه جنگ طولانی تر می شود و هر چه فشاگر سرمایه داران برای بهره کشی از کارگران بیشتر می شود، آنها بیش از پیش به این واقعیت می رسند که از جنگ تنها سرمایه داران سود می برند. واقعیتی که سرمایه داران سوسیالیست ها و سازشکارانی نظیر "کمیته مرکزی" هنوز هم از درک آن عاجز مانده اند.



## کارگران پروژه ای فلورمی گویند: ما پالایشگاه را ساخته ایم خودمان هم باید در آن کار کنیم!

کارگران شرکت فلور که مدت هاییکار بودند پس از قیام با مراجعات مکرر به اداره کار اصفهان نوسپردن تعهد خدمت چهار ماهه توانستند در ساختمان پالایشگاه اصفهان بکار مشغول شوند. کارگران شورایی متشکل از پنج نفر بنام بندی ۲۵۰ نفر انتخاب کردند. با رفتن کارشناسان خارجی در جریان قیام کارشناسان پالایشگاه متوقف ماندن کارگران پروژه ای بکار ادامه دادند و ساختمان پالایشگاه را با تمام رسامند و پالایشگاه مشغول کار شد.

معین فردی با زدی که از پالایشگاه اصفهان کرد کارگران را تهدید به اخراج کرد ولی با مقاومت آنها و شورایشان روبرو شد. کارگران ماندن را حق مسلم خود میدانستند و می گفتند ما پالایشگاه را ساخته و بکار را انداخته ایم، خودمان هم باید در آن کار کنیم. اواسط مهر یک روز نیروهای ارتش مانع ورود کارگران به پالایشگاه میشوند. فرمانده آنها میگوید "ما از بالادستور داریم که از ورود شما جلوگیری کنیم". پس از چهار ساعت کارگران موفق میشوند ارتشی ها را کناره رزده و بداخل بروند. روز پنجشنبه ۱۷ مهر وقتی کارگران خواستند شرکت را ترک کنند نماینده شرکت نفت "پورحیدری" سخنرانی کرد و گفت عده ای از شما باید به قسمت پخش بروید. کارگران با این حرف اعتراض کردند و جلسه خاتمه یافت. اما روز شنبه سپاه پاسداران به کمک ارتش آمد و از نیمه راه جلوی کارگران را گرفت کارگران مقاومت میکنند و یکی از افراد سپاه جمله معروف را تکرار میکند که "شما ضد انقلابی هستید"، "شما

بقیه در صفحه ۱۱

## مبارزات کارگران ایران گلف و هم دستی کمیته و وزارت کار

روزنامه جمهوری اسلامی - چهارشنبه ۱۴ تان - طی گفتگویی با کارگران شرکت ایران گلف مجبور به افشای واقعیات بسیاری گردیده است. در ابتدای این مصاحبه یکی از کارگران شرکت مزبور میگوید: پس از تشکیل شورا و تشویق کارگران به افزایش تولید حدود ۱۵ درصد تولید افزایش یافت اما کارگران بزودی دریافتند که همچون گذشته کاروتلاکشان روانه جیب صاحبان کارخانه می شود.

شرکت ایران گلف خصوصی و سازنده رادیاتور شرفا ژو، و منبع فولادی آب است. قیمت رادیاتور شرفا از قبیل از قیام تا کنون از متری ۸۴ تومان به ۱۷۵ تومان افزایش یافته یعنی بیش از صد درصد بر قیمت ها افزوده شده است. کارفرما در مقابل افزایش هر متر ۹۱ تومان به قیمت ها به کارگران قبول داد، که متری ۹ تومان به آنها بدهد! و تازه آنهم بنا به اظهار همان کارگر بدرستی اجرا نمیشود.

این واقعیت نشان میدهد تا زمانیکه سرمایه داری حاکم بوده و سرمایه داران برجا مع حکومت میکنند و مالکیت کارخانه ها در دست آنهاست، شعار "افزایش تولید" توسط شوراها، یعنی پرکردن جیب سرمایه داران، و این امر را کارگران خود در عمل بخوبی دری می یابند.

بقیه در صفحه ۱۱

## کارگران کارخانه بافکار حيله مدير عامل را خنثی کردند

کارگران این کارخانه، بشرط برقراری کنترل کاری، اضافه کار برای جنگ را پذیرفتند اما مدیر عامل از "خیر" کمک به جنگ زدگان گذشت!

حنگی که برای کارگران و زحمتکشان ما چیزی جز خانه خرابی، گرانی و فقر بیارنخواهد آورد، برای سرمایه داران برکت و نعمت می آورد. آنها با انواع بهانه ها میکوشند از این آب گل آلود ماهی بگیرند. هر روز به بهانه جنگ، خاموشی و کمک به جنگ زدگان به نوعی کارگران را می چا پند، با نوع دوستی قلبی خود در قالب کمک به جنگ زدگان هر روز کارگران را بیشتر استثماری می کنند. با تعریف و تمجید از آنها بخاطر کار و تولید بیشتر تنها جیب خود را پر میسازند. ساعات کار را افزایش میدهند، اضافه کاری مجانی درست می کنند، حقوق روزانه کارگران را به حساب جنگ زدگان می گذارند و به هر راهی که حيله بهره کشی از کارگران را افزایش میدهند.

اما کارگران کارخانه بافکار ثابت کردند که جنگ و کمک به جنگ زدگان بهانه ای بیش نیست. آنچه در پشت این نیت بظا هر خیر خواهانه نهفته است کار و تولید بیشتر است. چیزی که هست جنگ مجوز قانونی بدست آنها داده است تا آشکارا به چپاول

بقیه در صفحه ۱۱

# کنترل کارگری تنها راه مقابله با کمبود و گرانی

# آیت الله خمینی، مواضع فرماندهان ارتش را تقویت می کند

بقیه از صفحه ۱۱  
 وحشیانه رضا خان جلاد در رابطه با کمونیستها و سایر نیروهای مترقی از جمله غیرقانونی کردن هر گونه مراسم اشتراکی "سرکوب" حزب کمونیست ایران دستگیری و سرکوب گروه ۵۳ نفره... در نظر...  
 آیت الله خمینی جایی ندارد. کشتار بی رحمانه شاه جلاد در رابطه با کمونیستها و نیروهای مترقی دیگر، اعدام ریز به ها، وارطان ها، جزنی ها، رضایی ها، احمدزاده ها و رشادت های ایمنی فوز ندان دلیر خلق در جنگ دژ خیمان شاه، وحشت بی پایان رژیم از مبارزات مسلحانه نیروهای انقلابی همه اینها کتمان می شود و فقط مبارزات روحانیون و سرکوب آنان بشکلی بسیار عمد مطرح می گردد.  
 تمامی اینها با این خاطر است که مبارد دیگر بنده برای مدت بیشتری توهمات توده ها را دامن زد. آیت الله خمینی می خواهد با سخنان خود، با موج بسیار وسیع و شدید "ضد خونده" که توده هسارا فرا گرفته مبارزه کند.

در اینجا وظیفه کمونیستها و نیروهای ترقیخواه پس خطیر است. از سوی لیبرالها و نمایندگان مزدور انحصارات جهانی سعی دارند با تکیه بر ناراضی شدیدی توده ها و با تکیه بر اینکه توده ها خواسته های خود را بتدریج بر باد رفته می بینند، به مروج ضدآخوندی دامن زنند و در این رابطه خود را تطهیر نمایند آنها میخواهند با دامن زدن به این توهم که همه تقصیرها برگردان خوندها است زمینه را برای قدرت گیری خود و بازسازی هر چه سرایت سیستم وابستگی آماده سازند. و از سوی دیگر آیت الله خمینی و حزب جمهوری اسلامی نیز سعی دارند تا می روحانیت را بهتر شکل ممکن و با تکیه بر توهمات و اعتقادات مذهبی توده ها تطهیر نمایند در این میان کمونیستها و سایر نیروهای مترقی وظیفه دارند به توده ها توضیح دهند که هیئت حاکمه جمهوری اسلامی بطلت حمایت از منافع بورژوازی است که یخواسته های آنان پاسخ نمی دهد و آنان را سرکوب می نماید. باید به توده ها توضیح داد که آخوند بودن در عین حال که در برگیرنده ی منافع خاصی است اما نقش تعیین کننده را در پایداری نمودن خواسته های توده ها و اتخاذ سیاستهای ضد خلقی و سرکوبگرانه، نه آخوند بودن بلکه حمایت از منافع سرمایه داران و حفظ و تحکیم روابط سرمایه داری و وابسته یقانی نماید.

۴ - آیت الله خمینی نیز چون سایر اعضای هیئت حاکمه  
 قبالت جنگ اتخاذ نمود که رئیس انرا میتوان در چند جمله ای بصورت تمام و کمال یافت:  
 "از جنگ مردم خسته نشوند. جنگ یک چیز خوبی است." یکپارچه ایران دوباره انقلاب کرد و توجیه گرد به یک مقصد سرتاسری ایران، کدام کار ممکن بود که این طور مردم را بسیج کند، این جنگ بود که بسیج کرد. "ان روخت وسطی، آنرا پیدایمی شد دو باره برگشت بفرصتی و محکمی." جهاد کشاورزان اهنست که کشاورزیشان را تقویت کنند. امسال شنید ما که بعضی ها سستی می کنند و این برخلاف مسیر اسلام است."

این سخنان را بارها و بارها از زبان سایر سران جمهوری اسلامی نیز شنیده ایم و همواره تصور که بارها گفته ایم این موضع گیری تنها در خدمت سرمایه داران و منافع آنان است و پس، تنها نظر سرمایه داران و حامیان منافع آنان جنگ خوب است "و بسیار" پسر خیر و برکت است زیرا آنها با استفاده از موقعیت جنگی می خواهند با اختلافات و تفرقه ها (بخوان تضادهای رشد یافته بین کارگرو سرمایه داران و یارین کشاورز و زمیندار) پایان داده، بارش دادند گرایش ناسیونالیستی "ملت را یکپارچه کنند و آن سستی و روخت" (بخوان سستی و روخت اعتقادات مردم نسبت به حاکمیت) را که پیدا شده بود "دوباره به فرصتی و محکمی" (یعنی دامن زدن به شونیسیم و رشد توهمات توده ها نسبت به حاکمیت) بدل سازند و در نتیجه این اعمال است که می توان صراحتاً از کارگران و کشاورزان خواسته که بدون هیچگونه چشمداشتی تولید را بالا ببرند، جان بکنند در راه "میهن و اسلام" و "دین و آئین" و اگر در این راه جیب سرمایه داران هم پر شود چه بهتر و اگر هم جان نکنند و حق خود را مطالبه نمایند مسلماً غیر شرعی است و "خلاف مسیر اسلام است"

۳ - مهمترین موضعگیری آیت الله خمینی در این سخنرانی تشریح این مساله بود که غیر متخصصین نباید در کارهای تخصصی دخالت کنند: "کسانی که اطلاع نظامی ندارند نباید در کارهای نظامی دخالت کنند این بی مثل اینست که ما بیگونی فلان سرهنگ پیدا و بخواهد بگوید کیهنقه اسلام اینطور است... ما که از نظام اطلاع نداریم نباید اظهار نظر بکنیم... هر کسی که اطلاع ندارد یک چیزی را نمی فهمد بر نامه ندهد تضحیف نکند روحیه سر باز های ما را"

آیت الله خمینی باین موضع گیری خود مشخصاً دست جناح بنی صدر - فلاحتی را باز نهاد تا کنترل کامل خود را بر جنگ اعمال کنند. مسلماً واقعیت شکست های پی در پی در جنگ و پیش روی های عراق در این تصمیم گیری تاثیر بسزایی داشته است و بخصوص که بنی صدر تمام سعی خود را نمود تا همه اشکالاتی را نیز که عمدتاً بطلت خیانت و سرسپردگی سران آریامهری ارتش، وجود تشنه و نا هماهنگی در ارتش و عدم قدرت بکارگیری سلاحهای موجود می باشد بگردن حزب جمهوری اسلامی و سایر "مکتبیون" بیندازد.

آیت الله خمینی بعد از قیام درست در هنگامی که خلق کرد به وحشیانه ترین شکل توسط ارتش و پاسداران کشتار میگشت و انقلابیون و مبارزین بسیاری در زندانها بصرمی بردند، ساواکی ها وعده بسیاری از سران مزدور و سرسپردگان ارتش را مشمول عفو نمود تا هیئت حاکمه بتواند با کمک آنان سیستم ضربه خورد ارتش را به سریعترین صورتی باز سازی نماید. وی با کشف شبکه های کودتا در ارتش که توسط همین عناصر سازمان داده شده بود در سخنرانی خود مطرح نمود که "این کار بر خطا واقع شد" اما اینک پس از مدت کوتاهی، تمامی فرماندهان مزدور ارتش اعم از اخراجی، باز نشسته، باز خرید شده و تعداد بسیاری از ارتشیان زندانی (حتی آنان که در رابطه با کودتا دستگیر شدند) با عزت و احترام تمام به سر

کار خود برگشته اند تا به "میهن اسلامی" خدمت کنند. اینک باردیگر تمامی افرادی که عفو شان "بر خطا واقع شده" بود به همراه سایر تبعسار هسارا آریامهری در راس ارتش قرار گرفته اند و آیت الله خمینی نیز در عین تأیید این عمل با سخنرانی اخیر خود عملاً قدرت بی حد و حصری را به همین مزدور و سرسپردگان تفویض نمود. بهر صورت این موضع گیری آیت الله خمینی هر چه بیشتر زمینه را برای بازسازی سریعتر و قدرت گیری هر چه بیشتر ارتش سران مزدور شمیهای می کند و امتیاز مثبتی بسرا بنی صدر و سران آریامهری ارتش می باشد.  
 گرچه پورتونیسها و در راس آنان "کمیتسه مرکزی" ممکن است این سخنان آیت الله خمینی و همچنین عمل آزاد نمودن گروگانها را حمل بر "چرخشی نوین" در مواضع خرده بورژوازی کنند و بگویند که "این چپ روهها چه توقعاتی از خرده بورژوازی دارند. آنها نمی دانند که خرده بورژوازی دو گانه است و روی دویا شنه می چرخد. آنها نمی دانند که خرده بورژوازی در مبارزه ضد چنان امپریالیستی نا پیگیر است. ولی بسرعتی صد چندان آنکه حنای حاکمیت در مقابل توده هارنگ می بلارد فریب و نیرنگهای پورتونیسها نیز روشن واقفانه می گردند و هر روز بیش از پیش ثابت می شود که حاکمیت بورژوازی جمهوری اسلامی تنها روی یک پا شنه می چرخد و نهم منافع سرمایه داران است این پورتونیسیم است که بر روی هزار پا شنه می چرخد و هر روز برنگی در می آید."

## دو کاو خانه بوتان

### کار فرما از پرداخت حقوق...

بقیه از صفحه ۴  
 حقوق کارگران اعزامی به جبهه جنگ خوداری کرد. ما جرا از این قرار بود که در اوایل آبان ماه ۲۰ نفر از کارگران این کارخانه که عازم جبهه بودند به کارخانه آمدند تا ضمن خدا حافظی حقوق ماهیانه خود را نیز دریافت دارند. آنها ۲۰ روز دوره آموزشی را گذرانده بودند و پس از پایان این مدت ۳ روز به آنها مهلت داده شده بود تا به کارهای شخصی شان رسیدگی کنند و سپس به جبهه اعزام شوند، طبق قرار قبلی میبایست حقوق ماهیانه آنها پرداخت میگردید اما کار فرما دستور داده بود فقط روزها تیرا که در کارخانه سرکار حاضر شده اند بپردازند. این کارگران در آخرین لحظات رفتن به جبهه بخوبی دریافتند که:

آنها از جان خود گذشته اند اما کار فرما از حقوق آنها نمی گذرد. چند نفر از آنها وقتی وضع را بدین صورت دیدند تقاضای وام کردند اما این تقاضا نیز پذیرفته نشد. زیرا کار فرما آمیدی نداشت که آنها باز گردند و بتوانند و یا ره برایش کار کنند. بهر حال آنها به جبهه اعزام شدند، آنها به میدان جنگ رفتند، جنگی که جز خانه خرابی و سرگردانی و فشار بیشتر چیزی عاید آنها و خانواده شان نخواهد کرد. اما کار فرما مانند اسالهای با زهم بیشتری صدها انسان هم چون آنها را نیز چیرا ستشما ریکشد و شیره جانیشان را ز الوصفت بمکد.

# سرکوبگران خلق کشور دشمن همه خلقهای ایران هستند

# سرکوب و اختناق به بهانه مبارزه با امپریالیسم

جولوگیری می شود - جمهوری اسلامی - پنجشنبه ۱۵ تیرماه ( هیئت حاکمه ترسان از رشد نیروهای انقلابی و مبارزات توده ها به تمام این حرکات متوسل شده و نمی داند که با این اعمال خود را رسوا می سازد هیئت حاکمه فراموش کرده که شاه نیز مبارزان را ضد انقلاب - خرابکار - ستون پنجم خارجی - ارتجاع سرخ و مزدور اجنبی می خواند ، دیگر گوش توده ها از این حرفها پراست ، آنها بدرستی درک میکنند که چه کسانی در کنار و برای آنان مبارزه می کنند و چه کسانی به سرکوب مبارزات آنان می پردازند .

حکام جمهوری اسلامی با بهانه کردن موقعیت جنگی به سرکوب بی اساسان پرداخته اند ، آنها نه تنها یخساز کنندگان اعلامیه بلکه اعلامیه گیرندگان را نیز دستگیر میکنند ، آنها هر کسی را که مخالف با آنان صحبت کند یا یخساز پراکن ، و ضد انقلاب و ستون پنجم می نامند ، مردی حدود ۳۵ ساله که در پشت وانت با رسوا شده بود به تلخی میگفت " هیچ چیز در مملکت پیدا نمی شود اگر هم هست خیلی گران است و مادر آمد ما جور در نمی آید ، حالا هم که جنگ شده و گرفتاری ها زیاد شده ، تا بیایی حرف بزنم می گویند جنگ است اگر هم اضافه بگویی به جرم شایعه پراکنی دستگیرت می کنند " و یا راننده جوان تاکسی در جواب مردی که از او می پرسید " نظر شما درباره جنگ و این حرفها چیست " بنا لبخندی تمسخر آمیز سر تکان داد و گفت راستش آقا ما راننده های تاکسی حق نداریم حرف بزنیم اگر چیزی بگوئیم به عنوان شایعه ساز ما را می گیرند ما فقط حق داریم به حرفهای مردم گوش بدهیم و اصلاً اظهار نظر نکنیم ، همین چند روز پیش چندتا از همکاران ما را دستگیر کردند .

هیئت حاکمه فکر میکند فرضاً با تهدید و ارعاب رانندگان تاکسی و با دستگیری آنان میتواند جلوی بحث در اماکن عمومی و سرویسهای شهری را بگیرد ، همانطور که تصور میکنند با بستن دانشگاهها میتواند جلوی رشد نیروهای انقلابی را سد نماید . همه این اعمال به این خاطر است که مرتجعین از تاریخ درس نمی گیرند ، کوردلان فراموش کرده اند که حکومت نظامی از هاری جلاد نیز نتوانست جلوی رشد مبارزات توده ها را سد نماید .

کشیدند ، صدها نمونه از این حملات وحشیانه در هفته های اخیر در شهرها انجام گرفته است . جماعت بدستمان مزدور و پاداران انقلاب اسلامی روز چهارشنبه ۱۴ تیرماه به جمع دانش آموزان در مقابل آذانه آموزش و پرورش شیراز حمله بردند و عده ای را به شدت مضروب و مجروح کردند - در حمله ای که در هفته گذشته به تشییع جنازه رفیق شهیدی در رشت صورت گرفت بسیاری از تشییع کنندگان حتی با چاقو و دشنه مضروب شدند روز ۵شنبه ۱۵ تیرماه پاداران در آریا شهرت طرف پای جوانی که اعلامیه پخش کرده بود رگبار بستند ، در تمام این موارد مردم بوسیله اعتراض ، جولوگیری و در مواردی مقابل شدت تنفر خود را از این اعمال سرکوبگرانه نشان میدهند .

هر روز شاهدیم که دولت جمهوری اسلامی در لوی مبارزه ضد امپریالیستی از هر گونه حرکت جمعی توده ها جولوگیری نموده سعی در از هم پاشیدن کوچکترین تشکل توده ای دارد - شورا های خود جوش محلی توسط کمیته های مساجد و روحانیون محل غیر قانونی اعلام می شود - مدارس پس از آنهمه تفتیش عقاید ، اخراج معلمان مترقی - تعهدگیری از دانش آموزان و ... اینک حتی از ورزش دسته جمعی که توسط خود دانش آموزان سازمان داده شود بدست سرکوبگری می شود . حاکمیت کسبه از هر گونه تجمع ، تماس و تشکل توده ها وحشت مرگ دارد با توسل به کمپنه ترین و عقب افتاده ترین حیلها می خواهد جلوی این اعمال را بگیرد - نمونه " با رزایین اعمال تفتیش کیف دختران دانش آموز به بهانه وجود لوازم آرایشی غیر قانونی نامیدن شورا های محلی که توسط خود مردم سازمان یافته اند به بهانه رخنه ضد انقلاب ! (بیانیه وزارت کشور) و یا بستن دروغ و تهمت و افترا به نیروهای مترقی است هیئت حاکمه نیروهای مبارز و مترقی را ضد انقلاب و ستون پنجم و وابسته می خواند (مثلاً) سپاه پاسداران شیراز در بیانیه شماره ۸۷ خود می نویسد: ستون پنجم دشمن زیر پوشش گروههای وابسته و خائن همچون پیکار ، وحدت انقلابی ، چریکهای فدائی خلق و منافقین و غیره ... بخای تحریک در مدارس و اماکن عمومی دارند سپاه پاسداران ... اعلام میدارند بعضی مشاهده اینگونه افراد آنها را دستگیر و نه دادگاه انقلاب زمان جنگ تحویل خواهد داد ... و اخطار میکند از هر گونه راهپیمایی و تحصن ...

دولتهای بورژوازی همواره از موقعیت جنگی در جهت سرکوب و یا به انحراف کشاندن هر چه بیشتر مبارزات توده ها و در رأس آن مبارزه هر چه شدیدتر با نیروهای مترقی سود میبرند . ما از همان ابتدای تشدید جنگ بین دولتهای ایران و عراق این مساله را بارها متذکر شدیم که یکی از "خبرورکت" های این جنگ برای سرمایه داران و دولت حامی آنان تشدید جواختناق ، سانسور و فشار در جهت سرکوب مبارزات توده ها (یعنی مبارزه ای بمعنای واقعی ضد امپریالیستی دمکراتیک) خواهد بود .

اینک هر روز شاهدیم که چگونه ارگانهای سرکوب دولتی با یورش های وحشیانه مبارزات خود بر ضد نیروهای مترقی را تشدید نموده اند ، شاهدیم که چگونه تعداد معدود روزنامه های مترقی باقی مانده ممنوع اعلام میشود ، حاکمیت با استفاده از موقعیت جنگی و به بهانه جولوگیری از شایعه پراکنی و تفرقه و ... تشریاتی چون فریب دگودنشین و بازوی انقلاب را بدنبال ممنوع نمودن سایر نشریات ممنوع اعلام میکند ، هیئت حاکمه فراموش کرده است که در زمان شاه انقلابیون جان برکف فدائیان و مجاهدین ، مجوزی برای چاپ نشریه و یا پخش اعلامیه نداشتند ولی هیچگاه صدایشان در گلو نماند و سرکوب های وحشیانه رژیم آریا مهتری نیز نتوانست ارتباطشان را با توده ها قطع نماید چه رسد با این زمان که در اشراوج گیری و تعمیق مبارزات خلقهای تحت ستم ایران ، در هر کوی و بوئین دانشگاه ، فدائیان و مجاهدین بسیاری به فعالیت انقلابی مشغولند .

در روزهای اخیر خیابانهای شهرها شاهد وحشیانه ترین تعرضات به انقلابیون از سوی نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی است : هر میدان و هر چهارراه در روزهای اخیر شاهد وحشیانه ترین حملات به نیروهای انقلابی است که به جرم فروش نشریه مورد ضرب و شتم و دستگیری واقع شده اند ، در میدان امام حسین پسر جوانی که در قبال دستگیری خود بیسه افشاگری پرداخته بود بدشمت با مشت و لگد و قنداق تفنگ مضروب و سپس با وجود اعتراض مردم دستگیر شد ، در خیابان تاج تقاطع بهبودی دختر مبارزی توسط پاسداران بدشمت مضروب و مجروح گشت که با حمایت بی دریغ مردم موفق به فرار شد . در میدان تجریش پاسداران اسلامی لباس را برتن دختری کسبه در بقاییل دستگیری مقاومت میکرد پشاوره کردند و سپس او را بدرون ماشین

## پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

# مبارزه پیگیر کارگران کمپیدرو تبریز موجب آزادی همکار مبارز آنان شد

بسرکار خود برگردند و در کارخانه  
مجمع عمومی تشکیل شود و درباره  
کارگرا خراجی تصمیم بگیرد .  
ولی روز بعد هنگام ورود کارگر  
مزبور به کارخانه ، جلودر ورودی  
چند پاسدار کارگر مبارز را دستگیر  
کردند و به کمیته بردند .  
کارگران بعد از مشاهده این عمل  
تصمیم میگیرند تا وقتی همکار  
مبارز شان آزاد نشده و بکارخانه  
بازنگردد به خانه هایشان نروند .  
بعد از اینکه انجمن اسلامی  
کارخانه از تصمیم کارگران آگاه  
شد بدست ویا افتاد و در اسرع  
وقت نزد مدنی ( نماینده امام  
خمینی ) و موسوی ( رئیس فاب  
گاه تبریز ) رفته و اوضاع کارخانه  
را بگونه ای تصویر کردند که گویا  
در کارخانه شورش در حال تکون  
است . مدنی و موسوی هم بطور  
به حساسیت اوضاع بلافاصله  
همان شب کارگر مبارز خراجی  
را از کمیته آزاد کردند .  
بالاخره بعد از یکماه مبارزه کار  
گران متحد کمپیدرو موفق میشوند  
که قول برگرداندن همکار خود را  
از نمایندگان سران رژیم در تبریز  
بگیرند .

توضیحاتی بدهد ، این توضیحات  
خود بیانگر شیوه های پلیسی و  
جاسوسی و ایجاد جو اختناق در  
کارخانه است و بیش از پیش  
دست آنها را در ساختن و ماهیت  
آنها برای کارگران روشن  
ساخت . مدیرعامل توضیحات  
شگرف خود را بگونه ذیل آغاز  
کرد " من باین علت اورا اخراج  
کردم که او اعلامیه های کمونیستی  
در کارخانه پخش میکرد . او کم  
کاری میکرد ، کارگران را دور  
خودش جمع میکرد و مانع  
تولید میشد " کارگران از مدیر  
عامل پرسیدند آیا شما شهادت  
مدرکی برای این حرفها یتان  
دارید ؟ او گفت " بله چند نفر  
اینجا هستند ولیکن از شمامی  
ترسند و نمیتوانند شهادت  
بدهند " در اینحال یکی از کار  
گران در برابر استدلالات حمیری  
گفت پس معلوم میشود که آن چند  
نفر دروغ میگویند و الا اگر چنین  
بود شهادت میدادند . بالاخره  
بعد از دو ساعت بحث و گفتگو  
میان کارگران و مدیرعامل ، در  
ساعت چهار مناظره تعطیل شد  
و قرار شد که کارگرا خراجی فردا

اما کارگران مبارز آگاه با اتحاد  
طبقاتی خود با این توطئه ها تن  
در ندادند ، کارگران در مقابل  
تلاشهای مدیرعامل و دیگران  
مصرا نه خواهان توضیحات  
قانع کننده بودند و مدام به مدیر  
عامل میگفتند که شما با چه مجوزی  
همکاران ما را اخراج کرده اید .  
مدیرعامل ( حمیری ) بعد از  
ظفر هرفتن وز مینه سازی برای  
منتقا عد کردن کارگران به ترک  
کارخانه ،  
بالاخره مجبور شد که

گرفتند که بعد از پایان وقت اداری  
به منازلشان نروند بلکه بعنوان  
اعتراض به عمل زورگویانه  
وتهدید آ میز مدیرعامل  
در کارخانه بمانند تا دلا بیل  
چنین عملی را از مدیرعامل  
توضیح بخواهند . مدیرعامل  
و دیگر دست اندرکاران یعنی  
انجمن اسلامی و مدیریت کارخانه  
در برابر این حرکت کارگران به  
هراس افتادند . آنها کوشیدند  
تا شاید بگونه ای بتوانند ماجرا  
را مستمالی کنند و فیصله بدهند

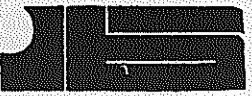
مبارزینخ دهم مهر ماه مدیرعامل  
کارخانه کمپیدرو ( حمیری ) به  
خیال خود دو کارگر را با اتهامات  
واهی تشبیه کرد . یکی را اخراج  
دائم و دیگری را پنج روز از کارخانه  
اخراج کرد . از همان لحظه که  
مدیرعامل به چنین حرکت ضد  
کارگری مبادرت ورزید کارگران  
کمپیدرو چون تنی واحد در برابر  
مدیرعامل و سایر عوامل رژیم  
جمهوری اسلامی برای بازگرداندن  
همکاران کارگر خود ایستادگی  
کردند ، کارگران بلافاصله تصمیم



## سند رسوائی هیئت حاکمه

## اعلام "شرایط آزادی گروگانها"

برای رنکسال کشمکش و تبلیغات مساله تسخیر سفارت آمریکا و گروگان گیری بتدریج خاتمه می یابد . در این مدت عوام فریبان با  
عناوی بسیار رحنیروانموده اند که گویا تسخیر سفارت آمریکا و قطع روابط دیپلماتیک بین دولت های ایران و آمریکا لیسم  
آمریکانه معنای پایان بخشیدن به سلطه امپریالیسم غارتگر آمریکا در ایران است .  
مساله گروگان ها و سقوط دولت لیبرال زرگان ، مناسب ترین موقعیت برای سران حزب جمهوری اسلامی بود که از آن برای  
تحکیم و تثبیت موقعیت خود و کسب قدرت برتر در دستگاه دولتی سود جستند .  
آنان با تبلیغات دروغین و ناسوا استفاده از خواست ها و آرمان های فدا مپریالیستی توده های زحمتکش خلق ، خود را بر  
خلاف لیبرال ها نیروئی صدامیریالیست و انقلابی معرفی کردند . در حالیکه دولت و مجلس که حزب جمهوری اسلامی بیشترین  
عود در آن نهاد داشته درست همان شرایط را برای بازین دادن گروگان ها پذیرفته اند که لیبرال ها یکسال پیش خواستار  
آن بودند ! . این آقایان که تا دیروز با زبان بارزه " صدامیریالیستی " داد سخن میدادند و بظاهر خود را مخالف باز پس دادن  
گروگان ها معرفی میکردند ، امروز با تنه و زبان برای آزادی گروگان ها و " بازگشت به شرایط پیش از ۲۳ تان ۵۸ " دفاع میکنند  
ما میسریم چه تعصبات اساسی صورت گرفت ؟ است ؟ از آغاز گروگان گیری تاکنون کدامیک از قرارداد های تسلیحاتی ، مالی ، . . .  
در دستگاه خلق افشا و لغو گردیده است ؟ توده های مردم به کدامیک از خواست های اساسی صدامیریالیستی و دمکراتیک  
خوبی دست یافته اند که این آقایان تا دیروز با تحویل دادن گروگان ها " مخالفت " کرده و امروز با تمام توان موافقت با آنرا  
تسلع میکنند ؟  
توده های زحمتکش میهن ما بود در این آنها طبقه کارگر ایران ، نامتوا مت و مبارزه علیه محاصره اقتصادی امپریالیستها  
و انواع تعصبات و فشارهای امپریالیسم آمریکا ، حداقل خواستشان آن بود که گروگان ها در دادگاه علمی محاکمه شوند تا از  
این طریق خیانت امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی و خارجی آن در پیشگاه خلقهای تحت ستم ایران و جهان فاش و انشا  
گردد . توده ها خواستار آن بودند که محاکمه گروگان ها به محاکمه سیاست های امپریالیسم آمریکا تبدیل شود . توده ها خواستار  
آن بودند که گام های اساسی در جهت قطع کلیه اشکال وابستگی به امپریالیسم و نابودی نظام سرمایه داری وابسته ایران اساس  
شود . اعلام " شرایط آزادی گروگانها " خوبی نشان داد که وقتی حفظ و بازسازی نظام سرمایه داری وابسته ایران اساس  
سیاست های هیئت حاکمه را تشکیل میدهد ، باز پس دادن گروگان ها " نیز نتیجه طبیعی و اجتناب ناپذیر آن خواهد بود .  
درین بزرگ و تاریخی " جریان گروگان ها " برای طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان عبارت از آن بود که حکومتی که در  
مقابل توده ها ، علیرغم یاره ای رفرها ، اساسا بدافع از سرمایه داران و زمینداران میپردازد ، حکومتی که بحای تعمیم  
آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک توده ها ، نظم خویش را بر اساس فریب و سرکوب توده ها برقرار میکند ، نمی خواهد و نمی  
تواند جز از طریق زد و بند با امپریالیست ها به حیات خوبی ادامه دهد .  
حال بگذاریم هیئت حاکمه " آزادی گروگان ها " را نیز از ضرورت های " مبارزه صدامیریالیستی " بشمار آورده و چنین  
اقدامی را ناشی از منافع ، خواست و اراده میلیون ها توده زحمتکش ورنجدیده میهن ما بنامیم . ایمان داریم که  
تاریخ برخلاف میل آنان پستی خواهد رفت ، مبارزات ملی و طبقاتی توده ها اوج خواهد گرفت و در پرتو فعالیت و جانفشانی  
کمونیست های انقلابی ، طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان بیش از پیش درمی یابند که چه کسانی با آنان خیانت کرده و چه  
کسانی بطور حقیقی از منافع آنان در برابر امپریالیسم و سرمایه داران و زمینداران دفاع میکنند .  
مرگ بر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش .  
رسیده با دطبقه کارگر ، رهبر مبارزات صدامیریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



# اتحاد قدرتمند کارگران ارج پیروزی دیگری را نصیب آنان کرد

تعویق افتاد و روز بعد هران ضد کارگری شورا اطلاعیه ای صادر کردند و نماینده موردا اعتماد کارگران (دهقان) را عامل تشنج معرفی کردند. سه ماه هم با اطلاعیه شماره ۲ خود، تاریخ انتخابات را ۸/۱۵ معین نمود، اما از سوی دیگر کارگران با جمع آوری امضاء به حمایت از نماینده موردا اعتماد خود برخاستند. روز ۸/۶ کارگران قسمت مونساز جهت اعتراض به مدیریت و شورا با خطر صدور حکم تعلیق یک هفته حقوق بکنسی از کارگران مونساز (که با نکهتستان درگیر شده بود) دست از کار کشیدند. آنها صمیمانه حمایت خود را از "دهقان" اعلام کردند. قسمتهای دیگر کارخانه از این جریان با خبر شدند و از دهقان بقیه در صفحه ۸

ناوینی اعلام کرده بودند. واکنش سازمان سرمایه شورای کارگران را غیر ناوینی می خواندند. کارگران خود می دانستند که تشکیل شورا ضرورت مسأله آنهاست و از دل مبارزه بیرون می آید و هیچ ناوینی سخراراده کارگران بر آن حکم نمی لاند در پایان مجمع عمومی نماینده مورد اعتماد کارگران سخنرانی کرد. او عهد نفع را جهت انتخاب در شورای جدید به کارگران معرفی نمود. اما مدافعین سرمایه با برداشتن بند گومانج ادامه سخنرانی اس می نمایند شدند. نتیجتاً سرمایه انتخابات خوراکه قرار بود در روز بعد انجام شود، به

کارگران کارخانه ارج از چند روز قبل از آغاز جنگ کنونی، خود را برای تشکیل شورای جدید آماده می کردند. شورای سابق کارخانه غیرمعمول حضور یک ناو و عنصر مترقی، عهد، در خدمت مدیریت و سرمایه داران بود. کارگران با کاندیدا نمودن افراد جدید و حمایت فعال از آنان زمینه را برای تشکیل شورای انقلابی فراهم ساختند. عناصر ضد کارگری شورای سابق که اینک مفسور کارگران بودند به تکیه بر افتادند تا از شرایط ناشی از جنگ حداکثر استفاده را بکنند. ابتدا با تمام تگردهای ضد انقلابی مانع تشکیل شورای جدید شدند اما اتحاد دو مبارزه کارگران برای تشکیل شورای جدید آنها را وادار به یک گام عقب نشینی کرد. این بار عناصر ضد کارگری شورای سابق که در رهبری همان شورا بودند خود را کاندیدا کردند. کارگران با خط کشیدن برنامه آنها در لیست کاندیداها و تبلیغ سر علیه آنها، پاسخ مناسبی به این نمایندگان دروغین دادند. آنها به این افکار اخبار را "اعلام کردند که بدلیل کار زیاد (!) در شورای جدید کاندیدا نخواهند بود. اما این پایان توطنه آنها نبود.

صبح روز دوشنبه ۱۵۹/۸/۳ اطلاعیه ای از جانب سپاه پاسداران در کارخانه نصب شد. محتوای این اطلاعیه چنین بود که برای تشکیل شورای جدید ابتدا با هدایت موسس ایجاد شود. تشکیل هیئت موسس باید با نظارت سپاه و ارتشهای دولتی باشد. سپس همین ارتشها در انتخابات شورا نظارت داشته باشند تا از نفوذ عناصر چپ و راست در شورا جلوگیری کنند. بعد از ظهر همین روز مجمع عمومی تشکیل شد. سه نفر برای سخنرانی به کارخانه آمدند که یکی از آنها پاسدار رودگری روحانی بود که خود را مسئول فرهنگی بنا دمستضعفین معرفی میکرد. همه صحبت آنان این بود که باید برای کارگران شورا تشکیل دهیم، باید مانع نفوذ چپ و راست در شورا باشیم! از طرف سپاه هم کارگران بشرومورد تهدید قرار گرفتند. خلاصه کلام آنکه اگر شورا را کارگران تشکیل دهند غیر ناوینی خواهد بود کارگران از خود می پرسند مگر شورا را با بددولت تشکیل دهد؟ آنها با در زیم گذشته می افتادند که از بالا برایشان نمایند. انتخاب میکردند و سندی می ساختند. کارگران بدرستی می دانستند شورا بی که دولت تشکیل دهد فقط مافع سرمایه داران است زیرا آنها چند روز قبل با جمع کردن امضاء شورای سابق را غیر

**دعوتنامه**

شماره ۱۲۳۲ - ۹  
تاریخ ۳۰ آبان ۱۳۵۹  
بیت

**از: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه ۲ - واحد کارگری**

به: اعضا شورای سابق کارخانه ارج

موضوع: نحوه انتخابات شورای اسلامی کارکنان

نظر باینکه انتخابات شورای اسلامی کارخانجات میبایستی زیر نظر يك هیئت بیطرف به انتخاب کلیه کارکنان کارخانه انجام گیرد، لذا بدینوسیله ابلاغ میگردد که شورای سابق کارخانه ارج هیچگونه حق دخالتی در این مورد ندارد. و انتخابات مذکور بایستی زیر نظر هیئت موسس که به انتخاب همه کارکنان تعیین خواهد شد انجام پذیرد.

بدیهی است که صلاحیت تمام کاندیداهای شورا و شرایط ورود آنها به شورای اسلامی کارخانجات حتماً باید به هیئت مذکور رسیده و از نفوذ عوامل چپ و راست و افراد فاقد صلاحیت به شورای اسلامی جلوگیری بعمل آید.

مراتب جهت اطلاع با استحضار رسیده، متعنی است نتیجه اقدامات خود را در این زمینه باین واحد ابلاغ نمائید.

سپه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه ۲ - واحد کارگری

تاریخ: ۳۰ آبان ۱۳۵۹

## تعطیل دوروز در هفته گامی در جهت تأمین رفاه کارگران و لازمه ارتقاء آگاهی آنان است

### اتحاد قدرتمند...

بقیه از صفحه ۷

خواستند که برای کارگران سخنرانی کند. این نماینده در سخنرانی گفت: تکلیف ۱۵ میلیون تومان سود کارخانه هنوز معلوم نشده و در ادامه صحبتها پیش باین مسئله اشاره کرد که: عناصر ضد کارگرشورا و مدیریت می خواهند شورای فرمایشی ایجاد کنند، همچنین اوبه حقوق کلان مدیران اعتراض کرده و از توطئه دیگری برداشت. او گفت مدیر عامل سابق کارخانه که بجرم دزدی از کارخانه از دست کارگران فرار کرده بود گویا در حال حاضر سمت معاونت وزیر صنایع و معادن را دارد، همین مدیر عامل نمایندگان مترقی کارگران را در اولین شورای کارگران وادار به استعفا کرده بود.

پس چرا کارگران بالا گرفت آنها می گفتند چرا این نماینده تاکنون مسائل فوق را با کارگران در میان نمی گذاشت؟ سپس عناصر ضد کارگر وارد میدان شدند. یکی قانون اساسی را بیا دکارگران آورد. او گفت اگر شورا بر طبق قانون اساسی نباشد دولت آنرا برسمیت نمی شناسد. کارگران پرسیدند توتویلا "گفته بودی کارخانه ۶ میلیون تومان ضرر کرده است، پس این ۱۵ میلیون تومان سود از کجا آمد؟ او دریافت که دیگر جایی برای فریب باقی نمانده است، پایش را از معرکه بیرون کشید.

نفر دوم با سلاح "خط امام" وارد میدان شد، اوبه دهقان حمله کرد. کارگران گفتند: تو بگو در این مدت چه کرده ای؟ او با تریبون پائین کشیدند. بعد از ظهر شنبه ۸/۸ خبر دستگیری دهقان در کارخانه پیچید، روز بعد کارگران ساعت ۱۲ جمع شدند. هر لحظه بر تعداد کارگران افزوده می شد. کارگران شبقت بعد از ظهر هم ز راه رسیدند کارگران با شعار "مرگ بر عناصر ضد کارگرشورا" خواهان آزادی نماینده ای که دستگیر شده بود گردیدند.

دو نفر از سپاه پاسداران وارد کارخانه شدند. مدیر کارخانه در اتاقش را از پشت بسته و پشت میز کارش مخفی شده بود. کارگران او را زور به محوطه آوردند. او گفت "می ترسم بیایم ممکنست مرا بزنند" او برادرش را در گویان "گفت از دهقان هیچ شکایتی ندا رد سعی می کند او را آزاد کند. کارگری برای سخنرانی پشت تریبون رفت. او ابتدا عمال سرمایه داران را در کارخانه افشا کرد و سپس به حمایت از نماینده ای که یکسال پیش مجبور به استعفا شده بود پرداخت. همه کارگران حرفهای او را تائید کردند. نماینده سپاه سخنرانی نمود و پس از تعریف و تمجید فراوان از سپاه

پاسداران گفت: عناصر ریاکاران اویسی و ضد انقلاب در کارخانه هستند، او گفت ما نماینده کارخانه ساکارا که ضد انقلابی بود دستگیر کردیم و روانه زندان نمودیم و سپس ادامه داد که در بین شما گروههای چپ هستند، دهقان باید جها روز در کارخانه باشد، این تشخیص دادستان انقلاب است. پس تشخیص دادستان انقلاب اگر نماینده ای اخلاص کند، ابتدا باید حرف و سپس با سر نیزه جلوی او را بگیریم. کارگران می گفتند آنها که قتل و بیکاری و گران را به مردم تحمیل می کنند ضد انقلاب اند، نه کسانی که بر علیه ستمگری و استثمار مبارزه می کنند. کارگران روز حمتکشان بیپوده اعتصاب نمی کنند، علت اعتصاب و کم کاری مقرراتی است که می خواهد مثل گذشته حقوق کارگران را پامال کند، خون کارگران را به شیشه کند، سرمایه داران و مدیران به میل خود کارگران را از کارخانه بیرون می کنند، دولت و سرمایه داران می خواهند نظام تحقیر و تبعیض آریا مهربی را در کارخانه زنده کنند آیا کارگرانی که برای سیر کردن شکم فرزندان خود از باغ تا شام کار می کنند ضد انقلاب هستند یا سرمایه دارانی که حق کارگران را از آنان سلب می کنند، گران کم رشن را به آنان تحمیل می کنند و می خواهند نفس کشیدن را نیز از آنان بگیرند. اعتراض کارگران اعتراضی انقلابی است اما آنها که نمایندگان واقعی کارگران را دستگیر می کنند و بزنند می اندازند، آنها که پاسداران سرمایه هستند و مانع تشکیل شورای واقعی کارگران هستند، آنان که با عناصر سواکی و مزدوران رژیم گذشته عقد اتحاد بسته اند آری اینان ضد انقلابند. صف متحد و آشتی ناپذیر کارگران ارج تشکیل شده بود. آنها اعلام کردند تا دهقان آزاد نشود سرکار نخواهند رفت. دیگر فریب و سرکوب نتیجه ای نداشت. یک ساعت بعد دهقان آزاد شد. کارگران از آرزوی دوش خود حمل می کردند. او در جهت کوتاهی گفت: "زندانی که خبری نیست، خانم راهم برای کارگران می دهم." آری، کارگران ارج با اتحاد و همستگی، اینبار دشمنان خود را اعمال سرمایه داران و حاکمان او را بزنند آوردند. آنها با این بیروزی برای فردای بوی بعضی آینه خود را آماده می کنند. آنها درس بزرگی آموختند. کارگران پیشرو با آگاهی هر ایند که این شکل خود انگیخته کارگران در صورتی خواهد توانست موفقیت خود را نسبت کند و بیست موفقیت های دیگر برسد که بتواند به یک شکل آگاهانه تبدیل شود، بر ضرورت ایجاد تشکیلات واقعی کارگران یعنی شورا تا کید می کنند و می کوشند با ایجاد هسته های سرخ متشکل از پیشروترین کارگران، رهبری و هدایت شورا را بدست بگیرند و مبارزه بیگسرو قاطع جهت تامین منافع کارگران را به انجام برسانند.

### لایحه واگذاری زمین...

بقیه از صفحه ۱

امسال هم گشت نمایندگانی را اختلافی در مورد زمین و مال الا حاره و یا بهره مالکانه دارند علمای اعلام در شهرها مراجعه نمایند تا طبق موازین اسلامی اختلافات را حل فرمایند تا انشا الله در آینده نزدیک مجلس و دولت اسلامی تصمیمات مفصلی در این زمینه بگیرد و در راه عموم کشاورزان را فراهم سازد (کیهان ۴ آبان) ما مکرر در نوشته های خود ماضیت بورژوازی و رفرمهای هیئت حاکمه را در زمینه های مختلف پس از تیان نشان داده ایم. رفرمهای هیئت حاکمه در زمینه مسئله ارضی نیز دارای یک جنبش ماهیتی است. هیئت حاکمه که از سیستم سرمایه داری و منافع سرمایه داران و زمین داران دفاع می کند، نمی تواند، مسئله ارضی را بحوی حل کند که بنفست دهقانان زحمتکش باشد، حتی زمانی که تحت فشار توده های مردم نوا بحسی می گذراند و رفرمهای را آغاز می کند، در مرحله اجرا هزاران مانع روبرو می شود. نمونه این امر را که مشتکی از خروار است در اطلاعیه آقای ربانی شرازی می بینیم. او آشکارا بدفاع از منافع مالکین بر می خیزد، از دهقانان زحمتکش می خواهد که پس از سالها تحمل ستم و استثماری که مالکین بر آنها روا داشته اند، همچنان ستم کنند، با زهم دندان روی جگر بگذارند و با سفره خالی بسازند و برای مالکین بیشتر گشت کنند.

او در این اطلاعیه خود آنحسان بصراحت به دفاع از منافع مالکین برخاست که بمذاق سردمداران جمهوری اسلامی خوش نیامد و آنحسان جمهوری اسلامی را عریان به نمایش گذاشت که ستاد مرکزی واگذاری زمین را محور ساعت، چند روز بعد اطلاعیه ای صادر کند که در آن گفته شده بود:

"واگذاری زمین متوقف نشده، ولی ادامه کار باید بدقت عمل بیشتر صورت گیرد"

معنای "دقت عمل بیشتر" روشن است. این "دقت عمل" چیزی جز تامین منافع بیشتر مالکین و لگد مال کردن حقوق دهقانان نیست. "دقت عمل" چیزی نیست جز ادامه همسان روابط ظالمانه و ستمگرانه گذشته و رفع اختلافات می مابین از طریق هیئت هفت نفری، برای روشن شدن مسئله و ما هیئت عمل کردهای هیئت هفت نفره به بررسی چند نمونه می پردازیم. هیئت هفت نفره که نفرشان منتخب ارگانهای دولتی و دو نفر دیگر منتخب خود آنان از میان دهقانان است،

در اطلاعیه ای بتاريخ ۸/۴

بقیه در صفحه ۱۲

## زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



# جنگ و کارگران:

## کارخانه کفش بلا

### یک هفته تعطیل شد!

نحمل کنند. بار سنگین هزینه های جنگی و تامین تدارکات آن را باید کارگران و زحمتکشان میهن بقیمت بیکار شدن، تحمل گرانی و کمبود انواع مایحتاج، بپردازند برای تامین سوخت هواپیمای فانتوم، واحدهای صنعتی تعطیل می شوند این است دستاورد جنگ برای کارگران یعنی بیکاری و پشت آن فقر و خانه خرابی، مسلم است که هیچیک از این مشکلات بهر زندگی سرمایه داران و ثروتمندان اثر نخواهد گذاشت اما در عوض میلیاردها دلار هزینه جنگی به جیب انحصارات امپریالیستی می رود. هزینه بازسازی و ترمیم صنایع و تاسیسات منهدم شده و کشور بجزیب امپریالیسم و سرمایه داران ایران و عراق خواهد رفت. سرمایه داران دو کشور هم در حین جنگ بوسیله احتکار و هم بعد از آن سودهای کلانی بدست خواهند آورد. در صورت تعطیلی دائم این کارخانه و واحدهای دیگر بیکاری شدیدتر خواهد شد و با توجه به سیاست های ضد کارگری دولت زندگی کارگران به مخاطره می افتد. اکنون کارگران پیشرو و آگاه باید ماهیت ضد انقلابی جنگ را برای کارگران توضیح دهند.

در هفته گذشته شرکت تولیدی و صنعتی کفش سازی بلا بدستور هیئت مدیره بمدت یک هفته تعطیل شد علت تعطیل شدن این واحد صنعتی کمبود سوخت کافی برای گرداندن چرخهای این کارخانه بود. سوخت کفش سازی بنزین اس-اس است، که در ضمن سوخت هواپیماهاست جنگنده ها فانتوم نیز می باشد. در پی جنگ دولت های ایران و عراق بطور مرتب سوخت کارخانه کم می شد و تولید رو به کاهش داشت تا اینکه در هفته گذشته برای تامین سوخت کافی جهت هواپیماهای فانتوم کارخانه تعطیل شد. در صورت ادامه جنگ خطر تعطیل دائم کارخانه و بیکاری کارگران بسیار محتمل است. جنگ نتیجه ای جز فقر و خانه خرابی، در شرایط تورم و گرانی طاقت فرسا برای کارگران نخواهد داشت. آری ما گفته بودیم که جنگ دولتهای ایران و عراق، بنفع امپریالیستها و بزیان کارگران و زحمتکشان هر دو کشور است. آری در جنگ بین سرمایه داران این استخوانهای کارگران است که له و لورده می شود. فشار اقتصادی ناشی از جنگ بردوش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا می افتد. گرانی و تورم، کمبود سوخت، حتی خرابی و ضایعات جانی را باید کارگران و زحمتکشان

بروید تولید کنید! آ خر بمانا بگوئید برای کی تولید کنیم! برای چی تولید کنیم! تولید کنیم که شما به مردم گسران بفروشید! به ما حقمان را ندهید... ما میدانیم حقمان را باید بازور بگیریم و بالاخره هم میگیریم! ما مصممیم چرا؟ خسر چرا مدیر کارخانه که دردی هم میکند (تقی بلاغی) ماهیانه ۴۰۰/۰۰۰ ریال حقوق بگیرد و کارگر کارخانه ۲۰/۰۰۰ ریال یعنی حقوق او را؟ چرا هنگامیکه کارگران در سال ۵۸ مدیر کارخانه را اجراج کردند هیئت مدیره بعد کارگر دو باره او را پس از چند ماه باسلام و صلوات به کارخانه آورد؟ چرا حالا که در مرداد ۵۹ کارگران او را اجراج کرده اند نه هنوز مدیریت دولتی و غیر دولتی پس از سه ماه سعی در باقی این سرسپردگان به سرمایه داران - وابسته را دارند؟ خسر چرا مدیر تدارکات (علی حجتی) جنس ها را از راکازش دو ملیون و پانصد هزار ریال را دارند فقط در یک قرارداد مبلغ هفت میلیون ریال خریداری میکنند؟ آخر چه کسی جرئت محروم بایستی تاوان این دزدی ها را بدهند؟

چرا سعید و ارسته خونخوار که قبل از تریلی وارد میکردند بایستی تریلرهای او را خود را که تبه مانده و واردات او میباشند به قیمت های گزاف به شرکت بفروشند؟ آخر چرا او کارگران نا آگاه را فریب میدهد تا شبها به عنوان نگهبان از کلکسیون فرشایشان مراقبت کنند و ماکارگران شبها گرسنه باشیم و ایشان صاحب چندین شرکت مجمل و اسکان تورقاسیت و... باشند. رفقای همزمزم! با درود به یکایکتان از شما صریحاً میخواهیم حالا که این سرمایه دار وابسته در سوخت



مردم قزوین وارد مجلس شورای اسلامی شد و در کنار دیگر دوستان خود و خیانت پیشگان به مردم قرار گرفت و خود ایشان شخصی بنام مهندس احمدهاشمیان را که از اعضای هیئت مدیره دولتی شهرک اکباتان بود بعنوان مدیر عامل یک شرکت و رئیس هیئت مدیره شرکت دیگر به مسند خلافت نشانند و شروع کرد: "من شورا را قبول ندارم، کارگران غلط کردند، تولید را بالا ببرید، اضافه حقوق نمیدهم و..."

و بدین ترتیب به مدییران منتخب دولت مجال آزاد داد تا با این گام خدمتی ناچیز به از با بان امپریالیستی خود کرده و سرسپردگی خویش را بیکبار دیگر برایشان به اثبات برساند و حال این جنسها را به چه قیمت هایی خواهند فروخت نمیدانیم... اما چرا قیمت قطعات و محصولات این شرکت از محصولات و قطعات مشابه در بازار گرانتر است؟ فقط در سال جاری دو برابر قیمت قطعات را افزایش داده اند یکبار ۶٪ و بار دیگر ۲۲/۸٪ چرا؟

گروه شرکتهای ساوالوکس از دو شرکت تجارتنی ساوالوکس و تولیدی ساوالوکس تشکیل شده است. شرکت تجارتنی اجناس ساخته شده و وارد میکند و شرکت تولیدی قطعات ساخته شده و وارد کرده و آنها را مونتاژ میکند (مثل سایر صنایع مونتاژی) این شرکتها که حدود ۶ سال پیش با سرمایه گذاری سرمایه دار وابسته سعید و ارسته با مشارکت الکترو لوکس سوئد که متعلق به پدر زن سعید و ارسته میباشند تاسیس شد. محل این کارخانه در ساوه میباشد. در سال ۵۶ سرمایه دار بزرگی چون عبدالرحمان گلزار شبستری سهامدار شهرک اکباتان در آنجا سرمایه گذاری میکند. بعد از قیام بهمن ماه کارگران توانستند تشکیلی ایجاد کنند و در فروردین سال ۵۸ کارگران مبارز توانستند سعید و ارسته را به زندان بیفکنند اما او با نفوذی که در دولت جمهوری اسلامی داشت پس از چند روز آزاد شد که همه فهمیدند آقای صدر حاج سعید جوادی عضو کابینه دولت موقت که شوهر عمه این خونخوار است او را از زندان آزاد نمود. اما کارگران با اینکه ضربه سختی خورده بودند از پای ننشستند و پس از فشار فراوان توانستند این کارخانه را به صلاح دولتی کنند همه خوشحال بودند که مدیر دولتی خواهد آمد که یکدفعه سروکله آقای صدر حاج سعید جوادی شوهر عمه این سرمایه دار وابسته در او خرسال ۵۸ بعنوان مدیر منتخب دولت پیدا شد و میگفت که مملکت ما به وجود مدییرانی چون سعید و ارسته سخت نیازمند است و آنوقت همه بچه ها فهمیدند که... رودست خوردند! سرانجام آقای صدر حاج سعید جوادی بعنوان نماینده واقعی!

افزایش قیمت محصولات الکترو لوکس مونتاژ ایران در سال ۵۹

جاری برقی	۳۴۵	از ۱۱۴۳۷ ریال به	۱۶۲۰۰ ریال
یخچال	۸۵/۱۵	از ۲۲۷۵۰۰ ریال به	۳۲۴۵۰ ریال
یخچال	۸۰	از ۱۷۵۰۰ ریال به	۲۴۵۰۰ ریال
یخاری نفتی	۱۰۰	از ۵۶۳۲ ریال به	۶۶۴۰ ریال

به خوش گذرانی مشغول است و شایع شده که فرار کرده، با چاپ این دردهای ما مانع ورود این وابستگان شوید و نمایندگان دولت را هم افشاء نمائید. با درود به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گروهی از کارکنان شرکتهای ساوالوکس ۵۹/۷/۲۶

هنگامیکه کارکنان مبارز توانستند دزدی های مدییر تدارکات و زربندهایش را از یکطرف با تجار دزد بازار و از طرف دیگر با سرمایه دار وابسته سعید و ارسته را بگیرند و به مدییر عامل منتخب دولت گزارش بدهند، ایشان میگویند: من خودم مواظب هستم، شما

**در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید.**

# سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید کرده

## پاسخ به سئوالات

در کلیه انقلاباتی که توفیق پیوسته انواع مختلف قیام را میتوان مشاهده کرد. انقلاب سوسیالیستی اکثریاً قیام مسلحانه طرح ریزی شده از جانب بلشویکها به پیروزی رسید. انقلابات وینستون و چین هر چند شکل عمده تسخیر قدرت سیاسی جنگ دراز مدت توده‌های بود، اما هر دو انقلاب مملو از قیام‌های محلی بوده‌است.

انتخاب لحظه مناسب برای آغاز قیام از اهمیت بسیاری برخوردار است و در پیروزی یا شکست قیام اثر قاطع دارد. فرمول بندی لینی برای لحظه مناسب آغاز نبرد قطعی چنین است:

۱- تمام آن نیروهای طبقاتی که یاد دشمنند بحد کافی سردرگم شده باشند، بحد کافی بایکدی یگر در افتاده باشند و بحد کافی خود را در مبارزه با یکدیگر از حیث قدرت آنان خارج است ناتوان نموده باشند.

۲- تمام عناصر متزلزل، مردد، ناستوار و بی‌بینی یعنی هر خرده بورژوازی و مکرکراسی خرده بورژوازی نیز بشکل متعادل از بورژوازی، خود را بحد کافی در برابر خلق رسوا ساخته و در نتیجه ورشکستگی عملی خود بحد کافی مفتضح شده باشند.

۳- در بین پرولتاریا احساسات توده‌های بنفیع پشتیبانی از قطعیت‌ترین عملیات انقلابی فداکارانه و متهورانه علیه بورژوازی آغاز گردیده و بنحوی پر توان در حال اوج باشد. (لنین چپ روی) بنابراین آنچه در بهمن ما رخ داد یک قیام توده‌ای، قیامی خود بخودی و طرح ریزی نشده بود. در روز ۲۱ بهمن ماه توده‌های وسیع علیرغم خواست رهبری بحرکت درآمده‌ها و مراکز جوهری رژیم دیکتاتوری شاه حمله بردند و ضربات سنگینی بر این ارگانها وارد آوردند. ما در نبرد خلق در این مورد نوشتیم:

"قیام یک برآمد توده‌ای، مبارزه و نبرد طبقاتی آشکار و - رعین حال فاقد رهبری و اقامت انقلابی و برنامه و سیاست از پیش تنظیم شده بود. قیام نیروی تاریخ ساز نبوده و قدرت توده‌ها را به عین تشکیلات داد، حماسه‌هایی از قهرمانی آفرید و در سها نشانی گرانبها برای کمونیستهای ایران و سراسر جهان به ارمغان آورد، در سهایی که هیچگاه فراموش نخواهد شد و در برآمد توده‌های آینده بکار گرفته خواهد شد."

ولی آیا هر قیامی منجر به انقلاب می‌شود؟ هر قیامی را نمیتوان انقلاب نامید. بسیاری از شورش‌ها و قیام‌های توده‌ای توفیق پیوسته که دارای خصوصیات مشخصه‌های اصلی انقلاب نبوده‌است. تنها قیامی را می‌توان یک انقلاب نامید که برآمد توده‌های آشکار محصول بلوغ شرایط عینی انقلاب و تکوین موقعیت انقلابی باشد. لنین مشخصه‌های اصلی موقعیت انقلابی را چنین تعریف می‌کند:

"قانون اساسی انقلاب در قرن بیستم آنرا تأیید نمود که انداز اینقر است: برای انقلاب کافی نیست توده‌های استثمار شونده و مستمکش به عدم امکان زندگی بشیوه سابق بی‌بیرند و تغییراً نراطلب نمایند. برای انقلاب ضروری است که استثمارگران نتوانند بشیوه سابق بقیه در صفحه ۱۴

حزب جمهوری اسلامی را بمثابه قدرتی در هیئت حاکمه محسوب نمود و آیا این با تحلیل سازمان از حاکمیت که در نبرد خلق منتشر شده متناقض نمیباشد.

مقدمتاً توضیح دهیم عبارتی که در سرمقاله آمده و از سه قدرت در هیئت حاکمه سخن گفته، دقیق نیست و بهمین دلیل موجب ابهام گشته است و از این نظر انتقاد بآن وارد است. اما در مورد جناح‌های درونی حزب جمهوری اسلامی از جمله جناح مجاهدین انقلاب اسلامی به رهبری حلال الدین فارسی. باید توجه کنیم که این جناح بعنوان قدرتی مستقل در حاکمیت بحساب نمیآید و همواره در درون حزب و تحت اتوریته و رهبری بورژوازی آن ترار داشته است و دنباله زوواژانده سیاست‌های بورژوازی رهبری بشمار میآید. در نبرد خلق در این مورد آمده است:

"حزب جمهوری اسلامی، سازمان انقلاب اسلامی را از طریق میتگر و موسس آن حلال الدین فارسی، زیر نفوذ رهبری خود گرفته است. این جریان تابع سیاستهای حزب جمهوری اسلامی است. ... سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی علیرغم ترکیب طبقاتی خرده بورژوازی، عمدتاً در خدمت اهداف و سیاستهای سران حزب جمهوری اسلامی درآمده است."

(نبرد خلق شماره یک دوره جدید - صفحه ۱۲۸)  
بنابراین علیرغم تضاد بین این جناح و جناح رهبری حزب که در موارد معینی مثل مسئله گروگانها بروز میکند این جناح عملادنباله زور رهبری بوده و به صورت زائده سیاستهای بورژوازی آن عمل میکند و قدرت سوم بشمار نمیآید.

### قیام یا انقلاب؟

رفیقی سئوال کرده است که آنچه در بهمن ما رخ داد قیام بود یا انقلاب؟

برای پاسخ به این سئوال مقدمتاً ببینیم قیام چیست؟ قیام عبارتست از برآمد آشکار و همزمان توده‌ها برای نابودی ارگانهای سیادت طبقه یا طبقات حاکمه. قیام در شرایطی رخ میدهد که توده‌ها جان نشان بلب رسیده و حاضر به تحمل ستم طبقات حاکمه نیستند.

قیام شکلی از اشکال متنوع مبارزات توده‌هاست. قیام خود انواع و اقسام مختلفی دارد قیام محلی، قیام سرتاسری، قیام مسلحانه، قیام خود بخودی، قیام طرح ریزی شده و غیره... قیام طرح ریزی شده و مسلحانه عالی ترین شکل قیام و بیابانگر سطح عالی تشکیلاتی نیروهای طبقاتی است.

طی چند هفته اخیر سئوالات و انتقادات متعددی از جانب برخی از رفقای و هواداران سازمان پیرامون مقالات و مواضع اتخاذ شده در نشریه کار بدست ما رسید. برخی از این انتقادات کاملاً درست و سازنده بود اما نیز سعی می‌کنیم که با توجه به انتقادات رفقا نواقص موجود را تا حد ممکن بر طرف سازیم. اما برخی از سئوالات و انتقادات بسیار مربوط به مسائلی بود که ما مکرر در نوشته‌های خود با آنها پاسخ داده ایم و یا بدون در نظر گرفتن کلیت یک مقاله و بدون توجه به تحلیلها و مواضع ما از مسئله مورد بحث، یک جمله را از کل مقاله جدا کرده و سپس سئوال کرده اند که آیا این امر برخلاف مواضع و نظرات سازمان و یا در تناقض با آنها نیست؟

ما از همه رفقا و هواداران سازمان می‌خواهیم که هنگام طرح سئوالات و انتقادات خود، اولاً از طرح سئوالاتی که در نوشته‌های مختلف سازمان بد آنها پاسخ داده شده است خودداری کنند و ثانیاً هنگام طرح یک سئوال و یا یک انتقاد مربوط به مقالات یا مواضع اتخاذ شده به کل مقاله نظر داشته باشند و نه یک جمله آن. مثلاً با توجه به این مسئله که ما در مقالات متعددی مطرح کرده ایم که جنگ در درازمدت به نفع حاکمیت نیست و اساساً یک جنگ درازمدت موجودیت کل حاکمیت را به خطر می‌اندازد پرسیده اند چرا در سرمقاله کار ۷۹ مطرح شده است که "اگر جنگ طولانی شود مواضع حزب جمهوری اسلامی تقویت می‌شود" در حالی که این دسته از رفقا توجه نکرده اند که ما حتی در همین سرمقاله نوشتیم "ادامه جنگ و تشدید بحران اقتصادی، بحران سیاسی و نارضایتی توده‌ها خواهد افزود و موجودیت هر دو رژیم را بخطر خواهد انداخت" نظر سازمان بنا بدلیل که در مقالات متعددی ذکر شده و در اینجا از تکرار آن خودداری می‌کنیم اینست که جنگ کوتاه مدت، که همراه بارش گرایشات و احساسات ناسیونالیستی و بالارفتن پرستی و حیثیت ارتش است، بنفع لیبرالها می‌باشد، اما اگر جنگ طولانی تر شود و موقعیتی که ارتش و لیبرالها در روزهای آغاز جنگ بدست آورده اند، در اثر شکستهای پی در پی و فروکش کردن روحیه شو نیستی از میان رود، در غیاب یک آلترناتیو انقلابی، حزب جمهوری اسلامی از این وضع در جهت تقویت موضع خویش در برابر لیبرالها استفاده خواهد کرد.

با انتشار سرمقاله "کار" شماره ۸۲ سئوالاتی برای برخی از رفقای هوادار ایجاد شده است. این سئوالات عمدتاً پیرامون جناح‌های درونی حزب جمهوری اسلامی است. سوال شده که آیا میتوان از سه قدرت در هیئت حاکمه سخن گفت و یک جناح از

## توضیح و پوزش

در دو شماره اخیر بدلیل تراکم مطالب موفق به ادامه مطلب "هسته‌های سرخ" نشدیم. از شماره آینده این مطلب درج خواهد شد.

## اخراج معلمان انقلابی و مبارز و بازگرداندن ساواکی ها در آموزش و پرورش املش

بدنبال اخراج معلمان مبارز و انقلابی سراسر کشور که بوسیله حزب جمهوری اسلامی انجام گرفت در بخش املش نیز پس از اخراج سه تن از معلمان مبارز، آموزش و پرورش محل ساواکیها را دعوت بکار نموده است. یکی از این ساواکیها حجت الله احمدزاده است که با اسم مستعار خیا می برای شناسائی و معرفی انقلابیون در خدمت رژیم منفور شاه بود در روزنامه هانیز معرفی شده بود این شخص را به تدریس تعلیمات دینی در دبیرستان دخترانه املش گماشتند. دانش آموزان مبارز و آگاه دبیرستان روزنامه ای را که نام و نام فامیل و اسم مستعار او را در روزنامه به عنوان ساواکی درج کرده بود تکثیر و بین دیگر دانش آموزان توزیع کرده و دست به افشاکری وسیع زدند. ساواکی مزبور در پاسخ به اعتراض دانش آموزان مبارز گفت: "من ساواکی بودم، اما از این پس بعد برای امام خمینی کار میکنم!" کسی که تا دیروز پیش از قیام از خون انقلابیون ارتزاق میکرد امروز نیز به شیوه کثیف

پیشین خویش ادامه میدهد و حزب جمهوری اسلامی نیز بزرگترین مشوق این عناصرا بدو خیا ننگار است. رئیس دبیرستان و معاونانش که بوسیله انجمن اسلامی املش به سمت جدید منسوب شده اند اولیای دانش آموزان معترض را به دبیرستان احضار نموده و از آنان تعهد گرفتند. اگر دوباره فرزندانشان در چنین اعمالی (افشای ماهیت ساواکیها) زدند، از دبیرستان اخراج خواهند شد. باید از پورتونستهای "کمیته مرکزی" پرسید که برادران! این چه نوع خرده بورژوازی است که گانه بدش همیشه (نه گاهی) علیه انقلابیون گل میکند و آن همه ناپیکیری و بی برنامگی که از خرده بورژوازی سرراغ داریم یکی در جریان عملکردهای حزب جمهوری اسلامی نمود پیدا نمی کند؟ - درست زمان جنگ و در بحبوحه تبلیغات، حکم اخراج معلمان انقلابی را صادر می کنند و ساواکیها را به کار باز میگردانند!



## ما پالایشگاه را ساخته ایم...

بقیه از صفحه ۳  
چا سوس عراق هستید" و فرماده ارتش حرف او را تکمیل میکند: "مادستور تیرداریم" و در همین حال از شورا خواهش میکند که رگران را آرام و متفرق کند. آن روز تمام نمایندگان ادارات دولتی از جمله نماینده دادستان، اداره کار، استانداری، سیاه پاسداران و حاکم شرع سخنرانی می کنند، نمایندگان کارگران در پاسخ این گروه می گویند: شما بسود سرمایه داران صحبت می کنید، نه بسود کارگران. و در عین حال، کارگران را راضی میکنند که به خانه هایشان بروند، روز بعد کارگران در مسجد پالایشگاه جمع می شوند. پورحیدری صحبت می کند و می گوید ۵۰ نفر از شما به یخش بروند، ۳۰۰ نفر در خانه بمانند ۲۰۰ نفر به پالایشگاه آب دادن ۲۰ نفر به پالایشگاه شیراز و ۱۰۰ نفر به کارگران بعد از کمی تحقیق و مراجعه دریا رفتند که پورحیدری کارگران را در حرف بکار می گمارد و در عمل تنها قصدش متفرق کردن کارگران و درهم شکستن اتحاد آنان است. چون همه جا در جواب می شنیدند که: "جانداریم، کارگر نمی خواهیم" و... مبارزات این کارگران هنوز ادامه دارد اما از آن زمان تا بحال حقوقی به آنها پرداخت نشده است.

## مبارزات کارگران ایران گلف و...

بقیه از صفحه ۳  
در ادامه مصاحبه در جواب سوال "شورا چه اقداماتی در جهت حل این موضوع کرده است" کارگر مذکور جواب میدهد شورا که پس از قیام تشکیل شده بود اقدامات موثری انجام داد اما بعلت غیر مکتبی بودن منحل گردید. (لابد با همکاری کارفرما و انجمن اسلامی) وی می افزاید: "ولی بطور کلی اقداماتی که در این رابطه صورت پذیرفته شکایت بردن به وزارت کار و دیگر ارگانهای زیربط می باشد، اما متأسفانه هیچگونه اقدام مقتضی از سوی آنها بعمل نیامد و ما ناچار شدیم خود دست بکار شده و مانع از خارج شدن جنس از کارخانه شویم، ولی صاحب کارخانه با توسل به وزارت کار و کمیته حرکت ما را خنثی کرد. یکبار دیگر - یگانگی و وحدت عمل وزارت کار و کمیته ها در حمایت از سرمایه برای بخش دیگری از کارگران میهن ما روشن شد و به اثبات رسید که کمیته ها نیز که عمدتاً از جانب حزب جمهوری اسلامی اداره و هدایت می شوند، همواره در مقابل کارگران به حمایت بیدریغ از سرمایه داران برخاسته و برخوانند خاست و با بهانه های بی چون غیر مکتبی بودن بدفاع از مکتب "سرمایه داران" می پردازند.

## اخبار کارگری

## کارگران کارخانه بافکار...

بقیه از صفحه ۳  
خودمان هر چه لازم باشد از آن طریق کمک می کنیم و وقتی با اصرار روبرو شدند با پیشنهادی که کردند نشان دادند که هدف سرمایه داران کمک به جنگ زدگان نیست بلکه آنها ب فکر منافع خویشند، کارگران قبول کردند چهار ساعت بدون مزد کار کنند بشرطی که کل تولید کارخانه در این مدت برای جنگ زدگان ارسال گردد، بعلاوه کارگران خودشان بر در آمد و سود کارخانه نظارت کامل داشته باشند و در واقع کنترل کارگری اعمال شود. اینجا بود که مدیر کارخانه با کمال وقاحت فریاد برآورد که "این غیر ممکن است" و بدین ترتیب اضافه کاری منتفی شد و آقایان از سر این کار خیر خواهان، بشردوستانه و میهن پرستانه! گذشتند، آنها نشان دادند که جنگ خیلی خوبست، اما نه برای همه بلکه فقط برای سرمایه داران.



نیروهای انسانی تحت اختیارشان بپردازند. کارگران با پوست و گوشت خود این را درک کرده اند که آنجا که پای منافع پیش می آید انسان دوستی فراموش میشود. جنگ از خاطرمی رود و همه چیز تحت الشعاع سود سرمایه قرار می گیرد و کارگران مبارز با فکار نیز پس از سالها تحمل ستم سرمایه اینک با هوشیاری حیللهای کارفرما را خنثی می کنند، آنها پس از آنکه در مقابل افزایش ساعات کار تا ۱۲ ساعت در روز پایداری کردند، با نیرنگ دیگری روبرو شدند، از آنها خواسته شد که پنجشنبه ها چهار ساعت اضافه کار کنند و حقوق این مدت کارشان برای کمک به جنگ زدگان اختصاص یابد. جالب اینجاست که این پیشنهاد را بشدای نماینده شورا و عضو انجمن اسلامی هنگام نماز جماعت مطرح کرد، ولی کارگران در جواب گفتند که ما شماره حساب کمک به جنگ زدگان را میدانیم،

# پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

## با کمک های مالی خود سازمان رایاری بسازید!

۵۴۰۲	۴۲۰۰	۲۰۰۰۱	۷۰۱۰	۵۳۰۰	۲۰۱۲	۵۳۲۸	الف
۶۰۳۵	۱۳۵۶	۸۰۰۱	۳۱۱۳	۳۱۱۳	۱۰۵۵	۴۲۰۰	۳۱۲۳
۳۲۸	۱۶۰۶	۴۴۵۵۵	۶۲۳	۲۲۲۲	۲۴۵۰	۵۵۰۰	۴۳۳۳
۷۰۰	۲۰۱۵	۳۲۰۵	۷۲۰	۳۰۰۱	۱۱۳۲	۱۵۰۰۳	۲۰۲۵۶
۵۱۱	۵۱۲۱	۶۱۰۱	۵۱۰۳	۴۳۰۰	۲۷۱۳	۳۱۵۰	۴۰۰۱
۳۵۵۵	۱۰۵۵	۳۵۱۰	۵۴۴	۶۷۱	۲۳۱۹	۲۳۳۵	۱۰۱۲
۲۶۱۳	۲۲۲	۴۳۰۰	۸۲۱	۹۴۰۰	۲۲۲۲	۳۰۰۰	۵۰۳
۱۰۸۴	۵۱۲۳	۲۴۰۱	۳۰۴۴	۱۱۹۷	۵۱۰۰	۵۲۰	۲۴۱۰
۳۱۱۳	۷۰۰	۱۷۷۷	۵۲۰۱	۳۱۰۱	۴۳۲۳	۱۰۰۰	۱۰۲۲۵
۷۱۲۹	۲۰۰	۴۱۵۲	۶۰۰	۵۲۸۲	۲۳۱۸	۳۲۶۰	ب
۳۵۱۳	۱۴۴۹	۵۳۰۸	۷۰۰	۷۲۰۰۰	۱۱۲۵	۳۶۱۹	۱۸۰۱
۱۸۱۰۰	۳۲۳۷	۲۲۰۰	۱۲۲۵	۲۰۰۰	۵۱۰۰	۵۲۵	۲۰۰۰۴
۱۰۱۱	۲۹۲۱	۲۱۰۰	۱۱۱۱	۴۳۳۳	۲۲۲	۵۳۳۳	۸۰۰۲
۵۲۸۳	۱۰۸۴	۱۰۹۹	۵۲۰۴	۱۴۹۹	۷۰۰۰	۵۳۳۳	۱۲۰۲
۶۱۱۲	۱۴۴۹	۱۱۰۹	۲۸۳۳	۷۰۴۴	۱۰۱۱	۵۳۳۳	۵۲۲۲
۴۰۱۲۵	۴۱۳۲	۵۸۸۸	۲۷۲۲	۱۰۱۱	۱۰۰۱	۵۳۳۳	۴۲۱۱
۱۲۱۶	۵۷۲۳	۱۰۳۲۷	۳۳۰۱	۱۲۰۰	۲۲۲۲	۵۳۷	۱۰۱۹
۵۱۵۴	۲۱۱۱	۵۱۲۳		۱۲۵۷	۸۱۱	۱۰۲۱۱	۱۲۷
۶۱۷۶	۶۵۵۵	۵۱۰۳		۳۱۷			۱۱۱۱
۱۳۸۹	۱۶۰۰						۱۰۱۲
۲۲۴۰	۲۱۱۹						

## لایحه واگذاری زمین...

به مالکین سندج اخطار می‌کند: "طبی مدت ۱۰ روز از تاریخ صدور این اطلاعیه زمینهای خود را با کمک برادران زارع زیرکشت بپزند و در صورت بروز اختلافات با زارعین فقط به هیئت هفت نفره مراجعه کنند".

به مالکین اخطار می‌شود که "زمینهای خود را با کمک برادران زارع زیرکشت بپزند. آیا در این اطلاعیه چیزی جز دفاع از منافع مالکین وجود دارد؟ این اطلاعیه بصراحت از این مسئله دفاع می‌کند که مالکین باید - زمینهای خود را در اختیار داشته باشند و با کمک برادران زارع آنها را کشت کنند یعنی همچنان به استثمار دهقانان و استثمار آنها ادامه دهند.

این هیئت که ظاهراً مجری لایحه واگذاری زمینها به دهقانان است در اینجا از مالک و زارع می‌خواهد که برادرانه با هم سازش کنند و برادرانه زمینها را کشت نمایند. از آنجایی که مالک پروری زمین کار نمی‌کند و این زارعین هستند که باید تحت سخت ترین شرایط کار کنند، پس اختلافات مورد نظر آقایان بر سر مال الاجاره یا بهره مالکانه است که بنا به گفته آیت الله ربانی شیرازی باید طبق موازین اسلامی حل شود. می‌بینیم در اینجا مسئله بر سر تقسیم سهم است، نه مصداق زمین از مالک به اطلاعیه بعدی هیئت توجه کنیم که از زارعین گردستان می‌خواهد "زمینهای را که از سوی ارگانهای انقلابی مانند جهاد سازندگی و سپاه پاسداران به آنها واگذار شده زیرکشت بپزند. در آغاز بنظر می‌رسد که همه کارها تمام شده، دهقانان صاحب زمین شده و حالا تنها چیزی که مانده است، کشت زمینهاست. اما چگونه با چه وساطتی و با چنانسه امکانات و پشتوانه مادی؟ کشا ورزی که با دست خالی تنها یک قطعه زمین دارد، اما بذر، کود، آب و وسائل کشا ورزی، هیچیک را در اختیار ندارد، مجبور است دست بدامن مالک و دیگر افراد عا صرونهادهای استثمارگر شود. این است ماهیت فرم جمهوری اسلامی در همان حد که اجرا شده است.

دولت نیز بخوبی برای این مسئله آگاهی دارد و تنها با وعده و وعید جواب دهقانان را می‌دهد، مثلاً وزیر کشا ورزی می‌گوید: "طبیعی است کشا ورزان که زمین به آنها واگذار می‌شود، از لحاظ امکانات در مضیقه هستند و نمی‌توانند زمین را کشت و بهره برداری کنند و انشا الله به آنها کمکهای مالی و فنی و غیره خواهیم کرد" (جمهوری اسلامی ۵۹/۸/۱۱) اما چه وقت؟ معلوم نیست "انشا الله" یک روزی داده خواهد شد!

همچنین در روزنامه انقلاب اسلامی بتاريخ ۵۹/۸/۷ می‌خوانیم: "با فرا رسیدن فصل کشت گندم، کشا ورزان گرگان با کمبود کود شیمیائی روبرو هستند. بهمین علت اکثر روستائیان از کشت این محصولات خودداری کرده‌اند، چرا که با مراجعه به جهاد سازندگی و شرکتیهای

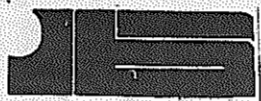
رفقای فدراسیون ترکیه (واحد استانبول) ۲۰۰۰۰ ریال	رفقای تبریز پ- ۴۰۰۰ ریال پ- ۸۰۰۰ ریال ۰۱۶ - ۱۰۰۰ ریال	رفقای تبریز پ- ۴۰۰۰ ریال پ- ۸۰۰۰ ریال ۰۱۶ - ۱۰۰۰ ریال	رفقای تبریز پ- ۴۰۰۰ ریال پ- ۸۰۰۰ ریال ۰۱۶ - ۱۰۰۰ ریال
دانش آموزان باختر ۸۳۰۰ ریال	رفیق ناهید امانت شمارسید	رفیق ناهید امانت شمارسید	رفیق ناهید امانت شمارسید
رفیق پوریا ۲۰۰۰ ریال	رفقای دبیرستان شهادت	رفقای دبیرستان شهادت	رفقای دبیرستان شهادت
۲۰۱ امانت شمارسید	رفقای لریستان الف ۱۲۱۶۰ ریال	رفقای لریستان الف ۱۲۱۶۰ ریال	رفقای لریستان الف ۱۲۱۶۰ ریال
۱۲۱۱ ۵۰۰۲	رفقای شاهرود م ۳۰۰۰ ریال	رفقای شاهرود م ۳۰۰۰ ریال	رفقای شاهرود م ۳۰۰۰ ریال
ج - ف ۲۷۰ امانت شمارسید	رفقای ۱۰۰۰ ریال	رفقای ۱۰۰۰ ریال	رفقای ۱۰۰۰ ریال
دانش آموزان دبیرستان آژرم ۲۰۰۰ ریال	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰
رفقای برلن غربی امانت شمارسید	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰
رفقای بروجرد ۹۵۵۵۵ ریال	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰
رفیق ط دانش آموز از لرستان ۲۰۰ ریال	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰
رفیق ع از لرستان امانت شمارسید	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰
م - خ ۴۶۰۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰	رفقای آستانه اشرفیه م ۵۰۵۰

بخش کود شیمیائی موفق به دریافت کود شده‌اند.

این امر بدلیل تحت فشار قرار دادن دهقانان گرگان و درهم شکستن شوراها و واقعی آنان است. هنگامی که دهقانان بشیوه‌های انقلابی زمین مالکین را مصداق می‌کنند و تحت فشار دهقانان زمین یا نماند و واگذار می‌شود. با شکال گوناگون دهقانان را تحت فشار قرار می‌دهند، تا بدان حد که در باره‌ای موارد دهقانان بدلیل عدم امکانات لازم نمی‌توانند زمین را کشت کنند. آنگاه در چنین شرایطی دولت به دهقانان التیما توم

میده‌د که اگر زمین زیرکشت نرود پس گرفته می‌شود.

بعنوان نمونه "هیئت واگذاری زمین در آذربایجان شرقی ضمن صدور اطلاعیه‌ای از ده نشینان این استان که بشهر مهاجرت کرده اند خواست ضمن مراجعه به ده، زمینهای خود را در روستاها زیرکشت بپزند و غیر اینصورت زمینهای آنها در اختیار شورای اسلامی روستا و جهاد سازندگی قرار خواهد گرفت تا موقتاً برای مدت یکسال به افراد بی‌سلاح داده شود" (انقلاب اسلامی ۵۹/۸/۷)



# جنگ و تشدید تضادهای...

بقیه از صفحه ۱

لیبرالها را در دستگاه دولتی و ارگانهای اجرائی گسترش دهد، سران حزب نیز تلاش مینمودند با انتخاب نخست وزیر و کا بیله صدر مد "مکتبی" (بخوان حزبی)، سلطه بی رقیب خویش را اعمال کنند.

اختلاف بین بنی صدر با مجلس که اکثریت آن در خط حزب ویا تحت نفوذ آن قرار دارند مدتتها بطول انجا میدوسرانجام حزب با انتخاب رجائی مقاصد خویش را عملی ساخت ما هنگام تعیین وزیر کشور و وزیر دفاع (پست های حساس و اصلی در قدرت دولتی)، اختلافات آنچنان بالا گرفت که تا آغاز جنگ ایران و عراق سر نوشت آنها بلاتکلیف مانده بود.

نطق بنی صدر در میدان شهدا به مناسبت سالروز هفدهم شهریور که همراه با حمله صریح ویی پرده به سران حزب و تهدید آنها به افشای مسائل پشت پرده بود، آشکارا بیانگر وحدت و شدت تضادهای دوجناح بود. رفسنجانی در مصاحبه تلویزیونی اش در فردای همان روز سخنرانی بنی صدر را اعلام جنگ آشکار قلمداد نمود.

این دو فرآکسیون بورژوازی که برای سرکوب مبارزات توده ها و جنبش انقلابی و دفاع از منافع سرمایه داران و زمینداران "میثاق وحدت" بسته اند، علی رغم حفظ وحدتشان در برابر خلق و توده های زحمتکش، با یکدیگر برای کسب موقعیت برتر در قدرت حاکمه بر رقابت برخاسته اند. خصومت فردی مالکیت خصوصی و طرق و شیوه های که برای اعمال حاکمیت بورژوازی و حل بحران موجود ارائه میدهند، آنها را رودر روی هم قرار میدهد و تشدید بحران اقتصادی و سیاسی، شکاف درونی شان را عمیق تر میسازد.

آغاز جنگ بین دولتهای ایران و عراق، با قدرت گیری سریع لیبرالها و ارتش همراه بود. لیبرالها فرصت را برای تحکیم موقعیتشان مناسب یافته بودند. آنها با تکیه بر ضرورت تقویت همه جانبه ارتش در جنگ کلاسیک بین ایران و عراق با سازی ارتش را سرعت فوق العاده ای بخشیدند. کودتاچیان با وساطت بنی صدر از زندان آزاد شده و سرپرست های سابق خویش با زگشتند، تعدادی از فرماندهان باز نشسته بخدمت فرا خوانده شدند، سلاح و تجهیزات نظامی خریداری شد و ارتش از همه لحاظ مجهز گردید. تبلیغ به نفع ارتش در صدر برنامه های تبلیغی قرار گرفت و بنی صدر بعنوان فرمانده کل قوا ابتکار عمل را در دست گرفت.

سناجایی و فروهر به ملاقات اما رفتند و با کسب اجازه از وی هزاران نفر از افراد خویش را تحت پوشش جنگ با عراق مسلح ساختند و در همین حین برای پست وزارت دفاع شخص مورد نظر بنی صدر، یکی از فرماندهان ارتش تعیین گردید.

سران حزب که فرصت های اولیه را از دست رفته می دیدند و از قدرت گیری لیبرالها بزرگ آشفته بودند، با تقویت ارگانهای تحت نفوذ خویش نظیر سپاه پاسداران، بسیج و غیره... در صدد تحکیم موقعیت خویش برآمدند. آنها که

می پنداشتند با ادامه جنگ فرصت را برای تضعیف لیبرالها و تحکیم خویش با زخواهند یافت، خواستار ادامه جنگ گشته و جنگ دراز مدت را تبلیغ نمودند. طرح شعارهای بلند پروازانه ای نظیر "فتح بغداد" نیز بهمین منظور از جانب آنان مطرح گردید.

تضادهای و برخوردهای دوجناح که با شلیک اولین توپها تحت الشجاع جنگ قرار گرفته وجه پشت پرده انتقال یافته بود، با گذشت مدت زمان کوتاهی در صحنه ظاهر گشته و هر چه عیان تر رخ مینماید خرابی ها و صدمات ناشی از جنگ، ویرانی بسیاری از تاسیسات صنعتی قطع صدور نفت، کمبود منابع ارزی، توقف چرخ اقتصاد مملکت، تورم، گرانی بیگاری و تخصیص بودجه نظامی برای جنگ، کمبود بنزین و نفت و... بحران اقتصادی را آنچنان شدتی بخشیده است که سبب درگیریهای جناحهای مختلف را اجتناب ناپذیر میسازد.

اختلاف در فرماندهی نیروهای مسلح شدت یافته و حداقل هماهنگی بین سپاه پاسداران و ارتش موجود نیست و هر یک از جناحها میخواهد "گناه" شکست دولت ایران را در جنگ بگردن دیگری بیندازد. بنی صدر که خواهان تمرکز فرماندهی نیروهای مسلح در دست خویش است، دخالتهای حزب را در امر فرماندهی ارتش بمنزله مانعی در راه پیشبرد نقشه های جنگی و نمودن سخته و از قبول مشکلات و مصائب جنگ شانه خالی کرده و میگوید:

"روز ۱۷ شهریور این هشدار را به همه ملت دادم و مشکلات این جنگ را نمی پذیرم و آنهائی که این مقدمات را فراهم کرده اند بروند دنبال اش را بگیرند."

(خاطرات رئیس جمهور - انقلاب اسلامی ۸/۱۷)

سران حزب نیز متقا بلا بنی صدر و سایر لیبرالها را مورد حمله قرار میدهند.

اکنون رادیو، تلویزیون، مجلس و... حتی میدان جنگ را نیز به عرصه رقابت و کشمکش های دوجناح تبدیل گشته است و بنی صدر این وضعیت را چنین تصویر میکنند:

"بهر حال مادر این روزهای سخت باید در چندین جنبه بجنگیم، در جنبه شایعه سازان، در جنبه فرصت طلبان قدرت دوست که هیچ چیز جز همگان سرگرمی های خودشان هوش و حواس نمی دهند."

(همانجا)

هر کس در هر گوشه ای از کشور برای خویش قدرتی میگردد، سناجایی و فروهر هزاران مردم مسلح در اختیار دارند، خسرو خان قشقایی با اقرا د مسلح خویش حرکت میکند، خانهای بلوچستان در صدد توطئه هستند محافل ارتجاعی بورژوازی بزرگ به سازماندهی نیروهای خویش مشغولند قطب زاده عنصر سرسپرده بخاطر حمله اش به حزب جمهوری اسلامی در مصاحبه تلویزیونی اش دستگیر میگردد، موسوی اردبیلی دادستان کل از صدور ایمن

احکام اظهار بی اطلاعی میکنند و... خلاصه هرج و مرج بر ارگانهای دولتی و بر جامعه حاکم گشته است.

اینهمه بیانگر وحدت و شدت تضاد بین جناحها و محافل مختلف بورژوازی بر زمینه بحران حاد اقتصادی و سیاسی است. بحران اقتصادی و سیاسی که با ادامه جنگ بر حدت و شدت آن افزوده می گردد، از یکسو تضادهای طبقه حاکم را تشدید میکند و از سوی دیگر توده ها را به مبارزه با طبقه حاکم میکشاند.

توده ها که پس از گذشت یکسال و نه ماه، هنوز به هیچیک از خواست های اساسی خویش دست نیافته اند و همچنان با بیگاری، تورم و گرانی دست بگریبانند و با پیدمصاب و مشکلات ناشی از جنگ را نیز تحمل نمایند، بیش از پیش اعتمادشان از حاکمیت سلب میگردد. توده ها بعینه می بینند که حاکمیت کنونی جز بدبختی، فقر و سیه روزی چیزی برایشان نبارمغان نیاورده است و در چنین شرایطی است که درگیریهای جناحهای مختلف هیئت حاکمه و افشاکری شان علیه یکدیگر، حاکمیت را در انظار توده ها بی اعتبار تر میسازد و توده ها درمی یابند که اختلاف آنها نه بر سر دفاع از منافع زحمتکش بلکه بر سر چگونگی سرکوب و استئمان آنهاست و بدینگونه است که روند رشد تضادهای آتش خشم و نارضایتی مردم و مبارزه توده های آزرده شکاف های طبقه حاکم زبانه خواهد کشید.

## لایحه واکناری زمین... بقیه از صفحه ۱۲

آیا این افزایش اصطلاح "دیصلاح" همان مالکینی نیستند که امکانات مادی لازم را برای کشت زمین دارند؟ و آیا اینگونه التیما تومها بمفهوم با زپس گرفتن زمین از دهقانان نیست؟ آیا رفرم ارضی گذشته نیز با چنین شرایطی منجر به فلاکت دهقانان، فقر و با رطاعت فرسای قرضهای سنگین و نتیجتا فرار کشا ورزان از روستا و رها کردن زمین ها میشانند؟ این است ماهیت رفرم ارضی که هیئت حاکمه بدان دست زده است.

اکنون دهقانان با گذشت هر روز در تجربه و زندگی روزمره خود درمی یابند که این طرحها و لویح حتی اگر تحت فشار دهقانان منجر به واگذاری زمین نیز بشود، بدلیل عدم امکانات مادی و فشار ها ئی که به دهقانان وارد می شود به نتیجه ای منجر نمی شود و مجددا زمین به مالکین بازمی گردد. دهقانان زحمتکش میهن ما می آموزند که زمین را باید به شیوه ای انقلابی از جنگ مالکین مصادره کنند و همانند دهقانان مبارز ترکمن صحرا و ساقل کشا ورزی مالکین را نیز مصادره کرده و در اختیار خود بگیرند. علاوه بر این دهقانان باید بصورت متشکل، از طریق شوراهای خود و یا دیگر جمعیت های توده ای دولت را تحت فشار قرار دهند که بذر، کود، آب، وسائل و ابزار کشا ورزی و دیگر... ما محتاج آنان را در اختیارشان قرار دهد.

### پاسخ به سئوالات

بقیه از صفحه ۱۰

زندگی و حکومت کنند. فقط آن هنگامی که "پائینی ها" نظام کهنه را نخواهند و "بلاتئها" نتوانند بشیوه سابق ادامه دهند، فقط آن هنگام انقلاب میتواند پیروز گردد. این حقیقت را عبارت دیگر چنین میتوان بیان نمود: انقلاب بدون یک بحران ملی عمومی (که هم استثمار شوندگان و هم استثمارگران را دربرگیرد) غیرممکنست. . . . (علامت هرا انقلاب واقعی آنستکه عده نمایندگان قادر به مبارزه سیاسی در بین توده زحمتکش و ستمکش که تا آن زمان در بسی خیالی بسر میبردند، بسرعت دهرابر ابریا حتی صد برابر شود) (لنین چپ روی)

در چنین شرایطی است که توده ها به یک اقدام تاریخی بیسابقه رانده شد می شود و انقلاب آغاز می گردد. و ما در بهمن ماه با چنین وضعیتی روبرو بودیم. در برنرد خلق در این مورد نوشتیم:

"بحران اقتصادی تضادهای طبقاتی را به سرحد انفجار رساند و تمامی خلق را به عرصه مبارزه آشکار بر علیه رژیم شاهگشا ندو بحران سیاسی با ابعاد عظیم بروز کرد" و "در مقطع بیستم بهمن ماه موقعیت انقلابی بلوغ نهائی خود را یافته بود، توده های وسیعاً به مبارزه روی آوردند و دو گرایش به اعمال قهر در بین توده ها شدیداً تقویت شد. بود. توده ها علیه رژیم شاهگشا در مبارزه با راه مسالمت دعوت میکرد، با ارتش و پلیس به مقابله بر می خاستند و در خیابانها با آنها درگیر می شدند نیروهای سرکوبگر ارتش و پلیس. . . قادر نبودند جنبش توده های را عقب برانند. اگر آنها توده های نظیر شورا و کمیته های مختلف تشکیل گردید بود و به نوعی اعمال قدرت توده های مستقیم دست می زدند. توده ها که در تجربه عملی خویش ماهیت سرکوبگرانه ارتش و تاجای نیروهای مسلح را دریافته بودند، اما دگر کامل داشتند تا در یک قیام عمومی این نیروهای سرکوبگران را منلاشی کنند."

برآمد توده های آشکار در بهمن ماه، هم یک قیام توده ای بود و هم یک انقلاب. اما این انقلاب بعلت سازش رهبری در نیمه راه متوقف ماند و به پیروزی نرسید. این مسئله که انقلاب به پیروزی نرسید مانع از آن نیست که ما آنرا یک انقلاب بدانیم، همچنانکه لنین انقلاب ۱۹۰۵ در روسیه را علیه رژیم غم عدم موفقیت اش، یک انقلاب نامید و در باره آن نوشت: " . . . انقلاب بورژوازی سالهای ۱۹۰۵-۱۹۰۷ روس با آنکه دارای کامیابیهای "درخشانی" کم گاهی نصیب انقلاب های پر ترقی و ترقیه شده است نبشود مع الوصف بدون شک انقلاب "خلق واقعی" بود. زیرا توده خلق اکثریت آن یعنی ژرف ترین "قشرهای پائینی" جامعه که پشتشان در زیر فشار ستم و استثمار دوتا شده بود، مستقلاً برآمدند و در تمام جریان انقلاب مهر و نشان خواستهای خود را که هدفش بنای جامعه نوینی به سبک خود بجای جامعه منهدم شونده بود، باقی گذارد." (لنین - دولت و انقلاب)

## تحولات اخیر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و موضع ما

مارکسیست - لنینیست ها همواره به این اصل لنینی، که باید در تاکتیک اعطاف پذیر و در استراتژی ثابت قدم بود، معتقد بوده و هستند. لذا در هر مرحله انقلاب استراتژی، تارسیدن به هدف اصلی، ثابت، ولی اتخاذ تاکتیکهای متنوع - در جهت دستیابی به استراتژی - در رابطه با جریانات حاکم برجینش، امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده و هیچ منافاتی نیز، با سرسختی در استراتژی ندارد، چرا که در رابطه مستقیم با استراتژی، و مخرجی او امر آنست.

ان اصل از مقطع قیام تا مقطع انشعاب کمیته مرکزی از "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" بارها و بارها با اشکال گوناگون در هم شکست و تحریف شده است. کمیته مرکزی، زیر نقاب به اصطلاح مبارزه ضد امپریالیستی، مبارزه طبقاتی توده های زحمتکش میهنمان را، که هر روز با ابعاد گسترده ای بخود می گیرد، و همین طور سرکوب مبارزات کارگران، دهقانان و نیروهای انقلابی، به وسیله هیئت حاکمه، رانادید و گرفتار سعی دارد که سیاست اپورتونیستی خود را به شیوه های گوناگون در جنبش وارد نماید. بینش اپورتونیستی "کمیته مرکزی" در ارگان سراسری آن به عینیت نشان می دهد که، آنها در نبال المروجریانهای خود بخودی، و تعیین روش خود، از واقعای تا واقعیه سیاستهای گمراه کننده خود را برای تحمیل توده ها و خام ساختن توده های هوادار، زیر کلمات فریبنده و پر طمطراق به پیش برد.

انتشار "کار" ۵۹ که سیاستهای واقعی "کمیته مرکزی" را بر ملا ساخت، اعتراضات وسیعی را در سطح هواداران برانگیخت و "کمیته مرکزی" را که تا این زمان از قبول مبارزه ایدئولوژیک طفره می رفت، واداشت که مبارزه ایدئولوژیک را در حرف بپذیرد، ولی دیدیم، عملاً به نفی مبارزه ایدئولوژیک علنی و سمپاشی علیه جناح انقلابی سازمان پرداخت، و علیرغم آگاهیش از ماهیت اختلافات، سعی کرد در بین هواداران به آن جنبه تصادفی داده و جهت عمده انشعاب خود را بر سر آریایی از مشی مسلحانه، قلمداد کند.

اکنون که ۱۸ ماه از قیام شکوهمند خلقهای ایران می گذرد، جامعه ما دچار یک بحران اقتصادی و سیاسی است، که هر روز ابعاد وسیعتری به خود می گیرد، و چون این حاکمیت بنا به ماهیتش از پاسخگویی به خواسته های برحق توده های زحمتکش ایران عاجز است، لذا با حرکات سرکوبگرانه خود، توده های مردم را از ماهیت ضد انقلابی خود آگاه می سازد، اما بینش اپورتونیستی راست غالب بر "کمیته مرکزی" بنا به خصلت و پایگاه طبقاتی خویش، منافع اساسی پرولتاریا و دیگر زحمتکشان شهر و روستا را، فدای منافع آنی خویش کرد و به پائینی به مبارزات درون جامعه مانعی دهد، و در عمل رسالت تاریخی و نقش تعیین کننده طبقه کارگران را دیده ها نگاشته و بی شرمانه، رهبری مبارزه ضد امپریالیستی خلقهای ایران را در هیئت حاکمه می بیند.

لذا در این شرایط است که انشعاب "کمیته مرکزی" صورت میگیرد و سازمان خود را از اپورتونیسم راست پالایش داده و این سخن لنین را سرآغاز فصلی نو در جنبش نوین کمونیستی ایران قرار میدهد.

... مردم قبل از همه بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملاً در دست کیست، باید تمام حقیقت را بر مردم گفت (در اطراف شعارها) و نشان میدهد که اختلافات نه تنها در باره چگونگی آریایی مشی گذشته، بلکه ریشه در مسائل حاد و مبرم جنبش دارد و اساساً مربوط به منافع طبقه کارگر و جنبش مقاومت خلق کرد و منافع سایر خلقهای ستم دیده ایران است.

آری، وقتی که "کمیته مرکزی" جنگ مقاومت خائن کرد را محکوم میکند و خواهان صلح به هر قیمت است، ما میگوئیم باید از مبارزات عادلانه خلق کرد دفاع کرد و با اتکاب نیروی توده ها برای صلحی دمکراتیک در کردستان کوشید.

زمانی که "کمیته مرکزی" برای حاکمیتی که با این فساد و فسادها به دستاوردهای قیام یورش برده و خونبهای هفتاد هزار شهید را به حلقوم بورژوازی میریزد، ماهیتسی خرده بورژوازی، مترقی و دمکراتیک قائل است، ما میگوئیم بنا به عملکردهای این حاکمیت، که از فردای قیام با انجام رسانده است آشکارا ماهیت و خصلت طبقاتی بورژوازی آنرا نشان میدهد، از قبیل جلوگیری از ضربات بیشتر بر ارگانها و نهادهای رژیم گذشته، حمایت از سرمایه داران و زمینداران در مقابل کارگران و دهقانان، گماردن تیسارهای شاهنشاهی به پست های حساس ارتش، دشمنی با شوراهای واقعی کارگران، دهقانان، معلمان، کارمندان، دانشجویان، دانش آموزان و . . . رفقای "کمیته مرکزی" دیگر شعار "۴۰ ساعت کار در هفته" . . . و همچنین شعار "سرکوبگران خلق کرد دشمنان" . . . را در ارگان سراسری خود مطرح نمیکنند و تا بحال نیز دلیل این امر را نگفته اند، چون میدانند خصلت واقعی شان در پاسخ باین نوع سوالات برای مردم و توده های هوادار بر ملا خواهد شد.

وظیفه هر یک از ماست که خصلت اپورتونیستی "کمیته مرکزی" را در هر مکان و در هر شرایط افشا نموده و قاطعانه در مقابل هر نوع بینش انحرافی ایستادگی کرد و اجازه ندهیم جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران به قهقرا کشانده شود.

ما هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - قائمشهر، ایمان داریم که تنها با شرکت فعال در مبارزات حق طلبانه توده ها است که میتوانیم سیاستهای سازشکارانه "کمیته مرکزی" را افشا نموده و ضمن تأیید مواضع "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"، اپورتونیسم راست را به عنوان خطر عمده جنبش نوین کمونیستی ایران، طرد نمائیم. برافراشته باد پرچم مبارزه ایدئولوژیک علنی ضامن وحدت جنبش نوین کمونیستی ایران

هر چه مستحکم تر باد صوف رزمنده "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" نابود باد جبهه فرصت طلبان و سازشکاران

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران  
قائمشهر ۱۸ شهریور ۱۳۵۹

## هر چه گسترده تر باد همکاری و اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

# اخبار جنگ

بقیه از صفحه ۱۶

درکوی ذوالفقاری که نزدیک محل درگیری است مبادرت به تسلیح مردم میکند، آنهم بطور محدود. تا شب صدای شلیک توپ و "کاتیوشا" فضای آبادان را میلرزاند. نیروهای نظامی و پاسداران حسابی "دست پاچه" شده اند، مع الوصف بدلیل عدم استقرار کامل نیروهای مزدور عراقی در این سوی رودخانه بهمنشیر، نیروهای دولتی توانستند در حدود ساعت هشت شب این حمله را بطور موقت دفع کنند، آنها توانستند عده ای از عراقیها را بکشند و عده ای را نیز دستگیر کنند. تاگتیک نیروهای عراقی بدین شکل بوده است که پس از عبور از رودخانه کارون، در فاصله ۱۰-۱۵ کیلومتری شمال شرقی آبادان - که دو هفته پیش صورت گرفته بود - پس از اینکه نتوانستند از طریق پل ایستگاه هفت و دو از ده بداخل شهر وارد شوند. با دورزدن جاده در محور آبادان - ماهشهر مقابل گورستان نو، در آن سوی رودخانه بهمنشیر مبادرت به زدن پل کرده اند و نیروهای خود را در بیا با نهایی واقع در جنوب آبادان یعنی در حوالی قبرستان نو پیاده کرده اند. با احتمال زیاد علی رغم قلم و قمع نیروها نشان در این سوی رودخانه که امروز صورت گرفت بقیه نیروها نشان را در آن سوی رودخانه نگه داشته اند.

## ۱۰ آبان

امروز صبح نیز خبر در حوالی قبرستان نو ادامه دار دو نیروهای دولتی در حال پاکسازی منطقه نفوذ نیروهای عراقی در مناطق کوی ذوالفقاری و قبرستان نو هستند و مواضع بقیه نیروهای عراقی را در آن سوی رودخانه بهمنشیر زیر آتش گرفته اند. چنانچه نیروهای ضد خلقی عراقی بتوانند قوای خود را در آن سوی رودخانه حفظ نموده و مجددا مواضع خود را در این سوی رودخانه استحکام بخشند و سلاحهای سنگین خود را مستقر کنند وضعیت آبادان بیش از پیش خطرناک خواهد شد. مردم امروز شتاب بیشتری برای خروج از شهر نشان میدهند ولی بعلمت همین درگیری ها، راه آبادان به ماهشهر بسته است و اتومبیل ها در پشت پل ایستگاه هفت ممتنع کشیده اند. اگر راه باز شود عده زیادی از مردم شهر را تخلیه خواهند کرد.

امروز عصر بعلمت اصابت خمپاره به ادا ره حمل و نقل واقع در پالایشگاه آبادان سه تن از کارگران شهید شدند. امروز چند نقطه دیگر در پالایشگاه آبادان در اثر شلیک خمپاره های ارتش ضد خلقی عراق با آتش کشیده شد. دود و آتش غلیظی فضای پالایشگاه را فرا گرفته است.

## دزفول

### ۶ آبان

بعد از حمله موشکی وحشیانه رژیم عراق به دزفول که در روز پیش صورت گرفت

امروز شهر آرام است. بجز تعدادی گسه جسدشان پیدان نشده بقیه شهدای این جنایت را با خاک سپرده اند. تعدادی از مردم با خانوادهایشان از شهر بیرون میروند.

## ۷ آبان

شهر می رود که حالت عادی خود را باز یابد. از دور - از اطراف شهر شوش - صدای توپخانه ارتش عراق شنیده میشود.

## ۸ آبان

حدود ساعت یک و نیم بعد از ظهر، چند نقطه شهر هدف گلوله های خمپاره قرار گرفت. در این حادثه یک نفر کشته و دو نفر مجروح شدند. امروز مردم خود را برای شرکت در مراسم بزرگداشت هفتمین روز شهدای خمله موشکی آماده میکنند. از حدود ساعت دو مردم روانه قبرستان میشوند. در این جمع افرادی بودند که ۹ ویا حتی هیجده نفر از افراد خانواده و فامیل خود را از دست داده اند. جو غم انگیزی بر محیط قبرستان حاکم است. بهشتی نیز به قبرستان آمده و می خواهد سخنرانی کند اما قبل از سخنرانی مردی با چشمان قرمز و خون آلود بفرش می دود و فریاد میزند: ما برای سرمایه داران شهید نشده ایم، ما مردم فقیری هستیم و حتما خودمان حق خود را میگیریم. احتیاجی به سخنرانی شما نداریم "جمعیت حاضر در قبرستان نیز حرفهای او را تأیید کردند.

عده زیادی از اهالی دزفول شبها به زیر زمین ها میروند و آنها که امکاناتی دارند شبها با چراغ از شهر میروند و صبح بازمیگردند. با اینکه دزفول دوبار مورد حمله موشکی قرار گرفته است و هر بار دهها نفر شهید شده اند، درصد کمی از مردم شهر را تخلیه کرده اند. یکی از اهالی شهر در مورد عدم تخلیه شهر می گوید: مردم دزفول اکثر مردمی زحمتکش هستند و امکانات مالی زیادی ندارند که بتوانند از شهرشان خارج شوند، شهر های اطراف دزفول هم مناسب آنها نیست زیرا پامیل اهواز تخلیه شده اند و یا مثل شوش و... بسیار شلوغند و عملاً جایی برای دزفولی ها باقی نمانده. جایی برای رفتن ندارند. فقط عده کمی که وضع مالی شان بهر تاساست توانسته اند شهر را ترک کنند."

## سوسنگرد

### ۱۰ آبان

در جاده نزدیک پنج کیلومتری سوسنگرد تا ننگ های آتش کشیده شده قرار دارند. در سوسنگرد وضع تقریباً عادی است. در شهر تردد زیاد است. تقریباً نیمی از مغازه ها باز است و تنها چیزی که وضع شهر را بنظر نیک تاز و ارد بصورت یک شهر جنگی نشان میدهد حضور سربازان و پاسداران در شهر است.

## محا که محمد رضا سعادت بیانگر...

بقیه از صفحه ۱۶

نیروهای انقلابی خوش خدمتی خود را با میریالیسم نشان دهد. محا که سعادت بیانگر در یک دادگاه غیر قانونی بسبک دادگاههای آریا مهری و مطالبی که او در دفاعیات خود مطرح کرد، پرده از چهره گریه و فریب کار جمهوری اسلامی و سیاستهای آن برمیدارد هنوز توده های قهرمان میهن ما، شکنجه های فرزندان خلق را در شکنجه گاه های ساواک بدست جلادان مزدور فراموش نکرده اند، و هنوز خیمه شب بازی های بیدادگاه های فرمایشی رژیم جلاد شاه و اعدام فرزندان خلق فراموش نشده است که توده های مردم یکبار دیگر با شنیدن دفاعیات سعادت بیانگر با حقایق تکان دهنده ای روبرو می شوند. آنها می بینند که دوباره بساط پرونده سازی از طریق شکنجه آغاز شده و بجای تهرانی ها، عضدی ها، حسین زاده ها، حسینی ها و رسولی ها، این جلادان ساواک، ما شالله قصاب و امثال او قرار گرفته اند، که همان شیوه های ساواک را برای پرونده سازی علیه انقلابیون بکار می گیرند.

گویا هیئت حا که از سر نوشت ننگین رژیم مزدور شاه پندنگرفته است که برای سرکوب انقلابیون بهمان شیوه های آریا مهری متوسل می شود. هیئت حا که با پدید آمدن، اگر رژیم مزدور شاه با شکنجه و محا که فرزندان انقلابی خلق توانست چند صباحی به حکومت ننگین خود ادامه دهد، آنروز توده های میهن ما در نا آگاهی و بیخبری بسر میبردند. اما امروز زحمتکشان میهن ما در آن حد آگاهی قرار دارند که دیگر اجازه ندهند، رژیم جمهوری اسلامی بنام "مردم بنام" عدالت و اسلام و بنام "انقلاب همان جنایاتی را مرتکب شود که حکومت مزدور شاه مرتکب می شد.

حدود هشت کیلومتری جاده اهواز - سوسنگرد تعدادی گلوله "خمسه - خمسه" منفجر شد ولی بکسی آسیبی نرسید. تانک ها و جیب های نیروهای ایرانی که حامل ضد تانک هستند در سمت راست جاده اهواز سوسنگرد قرار دارند. سربازان زیادی بصورت نا منظم کنار این تانکها نگهبانی میدهند.

روی زمینهای کشاورزی که اکنون شخم زده شده و احتمالاً بذر پاشیده شده، تعدادی تانکها و خودروهای سوخته شده وجود دارد. از اینها گذشته مردم ناحیه وضعیتشان نسبتاً عادی است، و مشغول کار کشاورزی هستند زنها هم عرب مثل همیشه بوته های خار بر سر دارند و همراه با بچه هایشان با پای برهنه روانند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی  
دمکراتیک خلقهای ایران است

# محاكمه محمد رضا سعادتى بیانگر ماهیت ضد انقلابی هیئت حاکمه است

سرانجام با گذشت یکسال و نیم از دستگیری محمد رضا سعادتى عضو سازمان مجاهدین خلق ایران، توسط کمیته وابسته به جاسوسخانه آمریکا، محاکمه وی در دادگاه عدل اسلامى آغاز شد.

محمد رضا سعادتى که مدت هفت سال در دست دژ خیمان آریامهری اسیر بود با اوج گیری مبارزات توده های مردم و با دست توانای آنها از زندان آزاد شد. اما هنوز چند ماهی از قیام نگذشته بود که در اردیبهشت ماه ۵۸ توسط افراد کمینته مستقر در جاسوسخانه آمریکا ربوده شد و اکنون همزمان با تصمیم جمهوری اسلافى مبنی بر آزادی جاسوسان آمریکائی با آنها مفاسد واهی و ساختگی بیای میز محاکمه کشیده شده است.

همزمانی تشکیل دادگاه محمد رضا سعادتى و بی محاکمه کشیدن او با آزادی جاسوسان آمریکائی، کمترین تردیدی باقی نمی گذارد که هیئت حاکمه سرای اینکه حسن نیت خود را با میرا لیسم آمریکا نشان دهد نه تنها تصمیم آزادی جاسوسان آمریکائی گرفته است بلکه در همان حال می کوشد با محاکمه

بقیه در صفحه ۱۵

# اخبار جنگ

## آبان آبادان

که از ناحیه دست تیر خورده است میگوید قصد داشتند از جاده خاکی به ماهشهر بروند که در بین راه توسط نیروهای عراقی هدف قرار میگیرند و در حدود سه تن کشته و چند نفر مجروح شده اند. بنظر میرسد جاده جدیدی که پس از استقرار نیروهای عراقی در چند کیلومتری آبادان تنها راه ارتباطی آبادان و ماهشهر را تشکیل میداد غیر قابل اطمینان شده است.

### ۹ آبان

امروز صبح ساعت ده و نیم به یکباره رادیو نفت ملی اعلام نمود که هم اکنون درگیری سختی بین نیروهای خودی و نیروهای عراقی در بیابانهای اطراف قبرستان نودر جریان است و شتاب زده از مردم خواست که خود را به مساجد معرفی کنند. انتشار این خبر باعث هراس و اضطراب مردم شد. مردم گنجینه شده بودند و از خود میپرسیدند که عراقی ها از کجا وارد شهر شده اند؟ جنب و جوشی در بین مردم شهر و نیروهای سیاسی مستقر در شوراهای دفاع محلی وجود آمده است. مردم و نیروهای سیاسی برای گرفتن اسلحه به مساجد میروند اما آنجا اسلحه و کورمی یابند، اصلا مثل اینکه خبری نیست. گفته میشود که فقط مسجدی واقع بقیه در صفحه ۱۵

بازار کفیشه که در مرکز آبادان قرار دارد محل تهیه مایحتاج مردم زحمتکشی است که در شواحي کوی گارگر، میدان طیب، بازارگان و چند محله زحمتکش نشین دیگر زندگی میکنند. فروشندگان خلق عرب نیز محصولات خود را نظیر لبنیات، سبزی و میوه در این بازار بفروش میرسانند. قبلا صبحها، در این بازار جمعیت موج میزد ولی این روزها خیلی خلوت و سوت و کور بنظر میرسد. آن جوش و خروش همیشگی از بین رفته است و فقط افرادی که هنوز آبادان را ترک نکرده اند برای خرید باین بازار مراجعه میکنند. زن عربی که ماست میفروشد در جواب اینکه چرا ماست اینقدر گران شده است میگوید: این روزها علف گران شده و کسی هم نیست که ازش علف بخیرم برای گاوها و دریا سخ این سوال که چرا تا حالا در شهر مانده آمد میگوید "ما گا و داریم و از این راه میتوانیم و نمیتوانیم گاهایمان را اول کنیم، از این جا کجا برویم؟ کسی بخوریم؟ کسی بول بماند؟ ..."

در بیابان شرقی شرکت نفت، بخش مخصوص مجروحین جنگ، بقیه بخش ها را تخلیه کرده اند، مجروحینی راهم که احتیاج به ادا مه معالجه دارند، بعد از کارهای فوری و درمان های ضروری به ماهشهر منتقل میکنند. یک تکاور

## قسمتی از: پیام خانواده فدائی شهید مصطفی شمس الدینى که بر مزار او خوانده شد

و امکانات خود از حقوق این خلق بیچاره و آزادیخواه دفاع نمایند و کردستان را سنگر شرف و آزادی سازند سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت) که موضعی انقلابی دارد در راه مبارزه در جهت تامین و دفاع از خواسته های خلق با تمام امکاناتی جزئی که در اختیار داشت به مبارزه در برابر اشغالگران برخاست و شهید تقدیم کاروان پرافتخار شهیدان کردستان کرد که یکی از آنها کساک مصطفی بوده که سنگرمقاومت و مبارزه را ترک نکرد و دین خودش را نسبت به خلقش ادا کرد. امیدواریم راه خونین کساک مصطفی و رفقايش را ادامه داده و همه ما و تمام همزمانش راهش را ادامه بدهیم چونکه راه خدمت به خلق است.



ه های زحمتکش داشت و هنگام بنا نوده ها در قیام سراسری ملت ایران شرکت جست و بعد از قیام نیز در صفوف مجروحان دلیر کردستان پیوست، و برای خدمت به خلق و به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پیوست و برای رعایتی زحمتکشان و حقوق از دست رفته خلقش سینه اش را سپر ساخت و در اس راه مبدی، راه مبارزه در جهت بدست آوردن منافع خلق شهید شد. امروزه در شرایطی که رژیم با اصطلاح اسلحه و ارتش و حاشی و پاسداران خود فروخته کردستان را اشغال کرده و به سرکوب و قتل و غم آورده های زحمتکشان خلق گرد دست زده اند و هزاران مجروح بی دفاع را شهید کرده و هزاران خانواده را بی پناه و هزاران خانه را خراب کرده اند، و نتیجه همه انسانهای آزادیخواه و تمام سازمانهای و نیروهای خلقی است که با تمام وجود

درود و سلام بی پایان به روان پاک همه شهیدان بخون خفته کردستان به مناسبت جهلمین روز شهدا در کساک مصطفی در اینجا گرد هم آمده ایم تا با بدن را گرامی داریم و برفداکارها و جانبازیها بش ارج نهیم. کساک مصطفی همچون فهرماتی جسور و بی باک در برابر ظلم و ستم دشمن خلقش ایستادگی کرد و مبارزه بی امان و خلل ناپذیرش را بر علیه دشمنان خلقش ادامه داد و راهی را که راه کساک، سلیمان معینی، ملا و آره و هزاران شهید بخون خفته کردستان و سوا سراسر ایران بود در پیش گرفت و با خون سرخ خود تاریخ سراسر خونین مبارزات کردستان را رنگین تر کرد. کساک مصطفی در سال ۱۳۴۱ در یک خانواده زحمتکش دیده به جهان گشود و از کودکی با رنج و زحمت و محرومیت آشنا شد، برای همین بود که ایمان زیادی به

# نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلیش